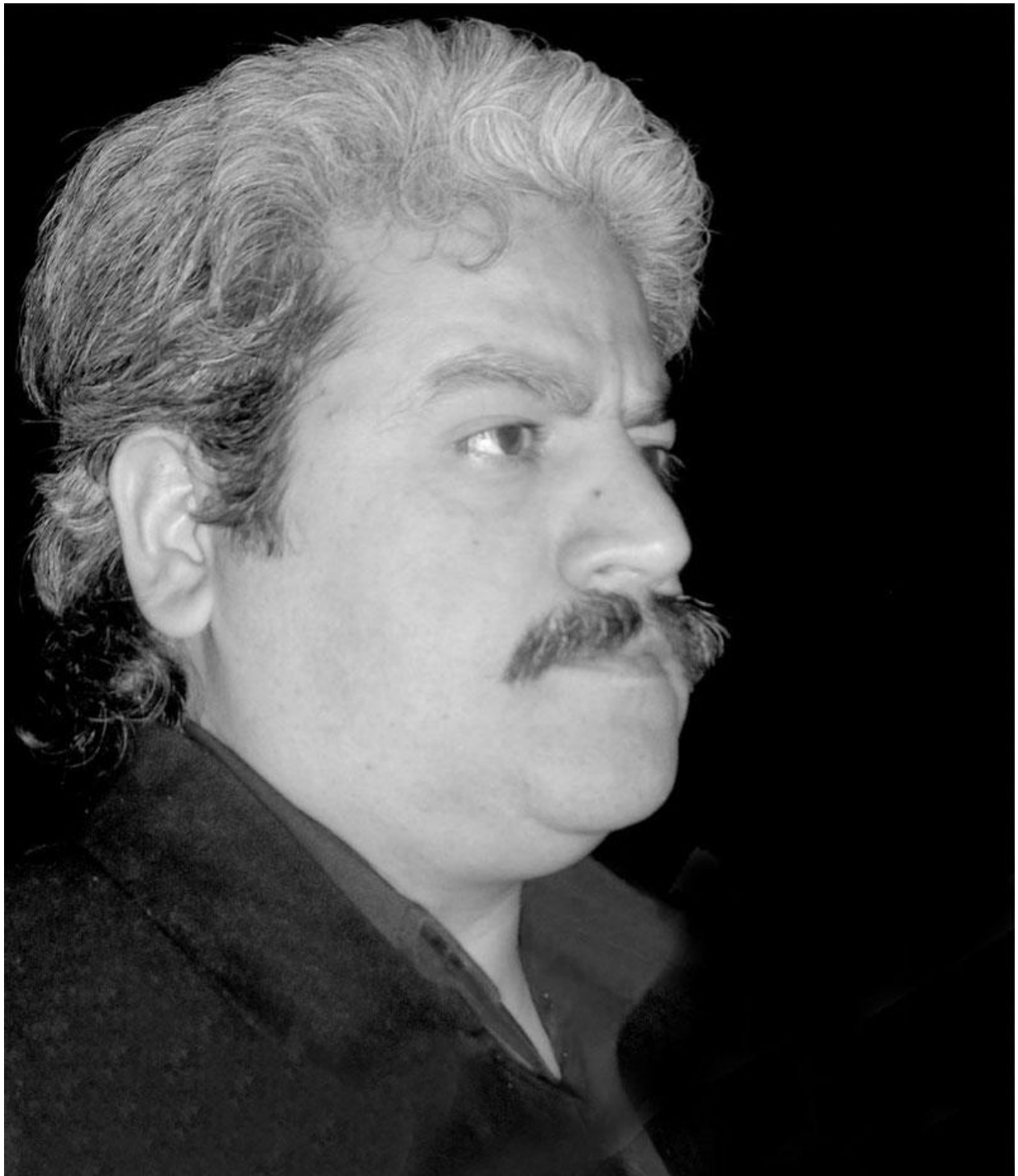


# کتاب سرف

اثر جاودانه مکیم اُرد بزرگ



## مقدمه

کتاب سرخ، گنجینه ای گرانبها از جملات و سخنان ارزشمند حکیم ارد بزرگ است، سخنانی سرشار از آموزه های ارزشمند برای کسانی که دنبال آموختن هستند. حکیم ارد بزرگ، فیلسوف و اندیشمندی است که اندیشه هایش افق های جهان امروز را در نور دیده و بدون تردید، یکی از بزرگترین فیلسوفان جهان امروز است که در کنار دیگر حکیمان برجسته ایران همچون حکیم بزرگمهر، حکیم فردوسی طوسی، حکیم خیام نیشابوری و دیگر بزرگان این مرز و بوم نظیر ابن سینا، حافظ، سعدی، مولانا و ...، نامشان بر تارک سرزمین جاوید ایران می درخشند و در ردیف اسطوره های ایران زمین همچون کوروش کبیر، داریوش بزرگ، خشایار شاه، انوشیروان و کاوه ها و بابک ها جاودانه خواهند شد.

حکیم ارد بزرگ، آشتی دهنده نسل امروز با فلسفه و حکمت کهن و یکی از اندک بزرگان حال حاضر ایران ماست که حکمت و فلسفه این سرزمین را حیاتی دوباره بخشیده است. در اندیشه حکیم ارد بزرگ، مهربانی بیشترین جایگاه را دارد به گونه ای که ایشان، چرخش از درون یک هسته اتم تا تمام کیهان را بخشی از مهربانی گیتی می داند و در سخنان حکیمانه اش، انسانها را به زندگی خردمندانه، دوستی، صلح و مهر دعوت می کند.

## سوگند به مهر که هیچ اندیشه ای بی آن، توان ایستایی ندارد

### 1. فرگرد آرمان

آدمهای ماندگار به چیزی جز آرمان نمی اندیشند.

مردمان توانمند در میان جشن و بزم نیستند. آنها هر دم به آرمانی بزرگتر می اندیشند و برای رسیدن به آن در حال پیکارند.

میدیش که دیگران، تو را به آرمانت خواهند رساند.

پیش نیاز رسیدن به دلیری و بی باکی، یافتن آرمان و خواسته ای هویداست.

تنها آرمانهای بزرگ، به ما بینشی فرا دنیوی می دهند.

مهم نیست تا چه میزان رشد کرده ایم، مهم این است که از آرمان هایمان دور نشده باشیم.

هدف آدمهای کارآمد، پیدا نمودن راهی مناسب برای ساختن ایده هاست.

آنکه در بیراهه قدم بر می دارد آرمان و هدف خویش را گم کرده است.

سفر، نای روان است برای اندیشه و آرمان بزرگ فردا.

به جای خود کم بینی و آرمان گریزی، پای در راه نهیم که این تنها درمانگر دردهای زندگی ست.

اگر آرمان برایمان هویدا باشد ابزار های رسیدن به آن را خیلی زود خواهیم یافت.

آرمان ما باید دارای شور و برانگیختگی باشد. انگیزشی که آدمی را به هست و جوشش نیاورد، خسته کننده است.

یادآوری آرمانها، از بیراهه روی بازمان می دارد.

آرمان را نباید فراموش ساخت اما می توان هر دم، به روشی بهتر برای رسیدن به آن اندیشید.

هیچ گاه از داشتن دشمن نترس، از انجام ندادن درست آرمان های خویش بترس.

میان گام نخست و آرمان بازه ای نیست، آنچه داریم اندازه نیروی کنونی ماست.

کمر راه هم در برابر آرمان خواهی برآزندگان خواهد شکست.

آدمهای آرمانگرا هنگامیکه به نادرست بودن آرزویی پی می برند بر ادامه آن پافشاری نمی کنند.

اندیشه فراگیر مردمی همیشگی نیست زیرا همواره دستخوش دگرگونی بدست جوانان پس از خود است. ورود جوانان به آرامی، آرمانهای نو پدید می آورد، و اگر آرمان گذشتگان نتواند خود را بازسازی کند ناگزیر نابود می گردد.

هرگز هنگام گام برداشتن به سوی آرمان بزرگ، نگاهت به آنانی که دستمزد خویش را پیشاپیش می خواهند نباشد! تنها به توانایی های خود اندیشه کن.

همیشه بدنبال سرنوشتی بهتر برای خود باش، و اگر کسب دانش آرمانت است هر آنچه در این مسیر رنج ببری ارزشش را دارد.

آرمان ما نباید موجب نابودی دیگران گردد آرمانی ارزشمند است که بهروزی ما و دیگران را در پی داشته باشد.

آدم های هدفمند فرمندند، چرا که برآیند هدفمندی، پاکی ست و پاکی شاهراه فرمندیت.

آنکه هدفش را ساده و باز نموده کمتر دچار سر در گمی می گردد.

زمانی می توانید کسی را از راهی بازدارید که ابتدا هدفش را دگرگون ساخته باشید. تا کسی هدفش دگرگون نگردد شما راه به جایی نخواهید برد.

آمیانی اندک، تنها به هدف می اندیشند، و بسیار کسان که هدفشان جز خانه نشین کردن همان گروه و دسته کوچک نیست.

گاهی هدف، خود سد دید آدمیست باید دور شد و آنگاه برگشت چه درخشان هویدا است.

برنامه داشتن ویژه گی آدمهای کارآمد است.

کیهان دارای ساختاری هدفمند است. این ساختار به آن پویایی بخشیده، و برآیندی شگرف در آن بر جای می گذارد.

اگر آرمان و هدف زندگی خویش را بدانیم، هر دم از خانه این و آن سر در نمی آوریم.

در دوران زندگی، تنها زمان هایی برایمان ارزشمند است که هدف و آرمانی را پیگیری می کردیم.

کسی که اندیشه اش بازیچه اخبار و رویدادهای گوناگون است هیچ گاه به آرمان و هدف زندگی خویش نمی رسد.

خوی آدمی همواره بدنبال دگرگونی و هدفمندی است.

بزرگترین کج رویها را زمانی انجام می دهیم که فکر می کنیم دیگر چیزی برای از دست دادن نداریم.

\* \* \* \* \*

## 2. فرگرد عشق

عشق همچون توفان سرزمین غبار گرفته وجود را پاک می کند و انگیزه رشد و باروری روزافزون می گردد.

عشق چنان شیفتگی در نهان خود دارد که سخت ترین دلها نیز، گاهی هوس شنا در آن را می کنند.

نماز عشق ترتیبی ندارد چرا که با نخستین سر بر خاک گذاردن، دیگر برخواستنی نیست.

هیچ گاه عشق به همدم را پاینده میندارد و از روزی که دل می بندی این نیرو را نیز در خویش بیافرین که اگر تنهایت گذاشت نشکنی و اگر شکستی باز هم ناامید نشو چرا که آرام جان دیگری در راه است.

کمک به همگان، عشقی است که به برجستگان کمک می کند راه های سرفرازی را بیابند.

عشقی که آدمی را به گوشه نشینی وادار کند ارزشی ندارد عشق باید توان پرتاب انسان به سوی هدفهای راستین را داشته باشد.

\* \* \* \* \*

## 3. فرگرد رنج و سختی

سختی های بزرگ به آدمیان نیرویی دو چندان می بخشند.

دشواری، به هدف ما ارزش می بخشد. دشواری بیشتر، ارزش افزونتر.

مستمند کسی است، که دشواری و سختی ندیده باشد.

ارزش سختی های روزگار را باید دانست، آنها آمده اند تا ما را نیرومندتر سازند.

آنکه سختی نکشیده، نرمی و بهکامی نخواهد داشت.

گذشتن از سختی های پیش رو، چندان سخت تر از آن چه پشت سر گذاشته ایم نخواهد بود.

بسیار یاد کردن از سختی های زندگی، بردگی می آورد.

آنچه بدست خواهی آورد فراتر از رنج و زحمت نخواهد بود.

دوستی با رنج ها و درد ها مانند دوستی با دشمن ستیزه جو ست، باید بر ناراستی ها تاخت که این تنها راه ماندگار است.

رنج آدمی را نیرومند می سازد برسان کوهستان سخت.

سرآمد دشواری و سختی دانا نیست و دانا چشم خویش را بر بسیاری از زیبایی های زود گذر گیتی خواهد بست.

زندگی رنج و درد نیست هدیه ایی است برای شاد بودن. مادر گیتی جام زهر بر دهان کودک خویش نمی گذارد، او می پروراند برای بهروزی و خوشبختی.

آدم خودساخته، بازیچه بادهایی که به هر سو روانند نمی گردد.

بهبودی زخم شمشیر بسیار تندتر از زخم دل آزرده است.

رنج در پس هر کار ناشایست آشیانه دارد.

روزهایی که سختی را بر تو چشاند گذشتند و رفتند، امروز هنگامه دیگر است.

روزهای سخت بهایی ست که باید برای سرفرازی پرداخت.

خارهای کوچک زخم به جان نمی زنند، بلکه با او می آمیزد برای روزهای سخت.

بازده روزهای سخت، بسیار بیشتر از دوران سرخوشی ست.

روزهای سخت گامهای آینده ما را استوارتر و تندتر می کند.

جنگ با روزهای سخت است که ما را پولادین می سازد.

در تاریکترین شب های ستم، روشنترین ستاره ها زاده می شوند.

در سرزمینی که آذرخش و طوفان میدان داری می کنند کسی به فکر فردا نیست.

\* \* \* \* \*

#### 4. فرگرد گیتی

تمنای واپسین آدمی، شناور شدن در بسامدهای (امواج) گیتی است.

گیتی در جنگ و آوردی بزرگ در گردش است. اندیشه و تلاش خردمندان از یک سو و پوزخند اهریمن و روان دیوپیشگان از سوی دیگر، معرکه این جهان گذارا است.

بی مایگی و بدکاری پاینده نخواهد بود، گیتی رو به پویندگی و رشد است. با نگاهی به گذشته می آموزیم: اشتباهاتی همچون برده داری، همسر سوزی و ... را آدمیان رها نموده اند، خردورزی! آدمی را پاک خواهد کرد.

آنانیکه خویی جانور گونه دارند و تنها در پی زدودن گرفتاریهای خویشان خویش هستند بزهکاران روزگارند. باید گفت نشانه آنها بر گیتی هم تراز ریگ کوچکی در کرانه دریای آدمیان نیز نخواهد بود.

بی پایبندی به نظم در گیتی، ویژگی آدمهای گوشه گیر است که عشق و احساس را سپر دیدگاههای نادرست خود میکنند.

نرمش و سازگاری با گیتی از هر کمین دلهره آوری، رهایی مان خواهد بخشید.

گیتی همواره در حال زایش است و پویشی آرام در همه گونه های آن در حال پیدایش است.

\* \* \* \* \*

#### 5. فرگرد سرپرست

ریشه کارمند نابکار، در نهاد سرپرست و مدیر ناتوان است.

بکارگیری آشنایان در یک گردونه کاری برآیندی جز سرنگونی زود هنگام سرپرست آن گردونه را به دنبال نخواهد داشت.

شباهنگام برای خانواده و نزدیکانت نامه بنویس و در روز برای اربابان و سرپرستان.

سرپرست ناتوان بزرگترین عامل هرز نیروهاست.

\* \* \* \* \*

## 6. فرگرد پیشوا

برای شناخت آدمیان، بجای کنکاش در اندیشه تک تک آنها، بدنبال شناخت پیشوای انگاره و خرد آنها باشید. کشوری که دارای پیشوایی بی باک است همه مردمش قهرمان و دلیر می شوند.

\* \* \* \* \*

## 7. فرگرد کودکی

پوزش خواستن از پس اشتباه، زیباست حتی اگر از یک کودک باشد.

رسیدن به راستی و درستی چندان سخت و پیچیده نیست کافیت کمی به خوی کودکی برگردیم.

هرگز به کودکانان نگوید پیشه آینده اش چه باشد همواره به او ادب و ستایش به دیگران را آموزش دهید چون با داشتن این ویژگیها همیشه او نگار مردم و شما در نیکبختی خواهید بود و اگر اینگونه نباشد هیچ پیشه ای نمی تواند به او و شما بزرگواری بخشد.

کسی که همسر و کودک خویش را رها می کند، در پی خفت ابدیت.

کودکی که گناه خویش را بدون پرسش ما به گردن می گیرد در حال گذراندن نخستین گام های قهرمانی است.

کودکان برای شاد بودن، بیش از هر چیزی به گفتگو با ما نیاز دارند.

بی پناهی و سرگردانی کودک امروز بیش از هر زمان دیگری ست.

بهترین شیوه آموزش به کودک، همراه شدن با او در درون داستانهای پند آموز است.

\* \* \* \* \*

## 8. فرگرد سیاست

اهل سیاست پاسخگو هستند ! البته تنها به پرسشهایی که دوست دارند.

مهم ترین رازهای نهان سیاست بازان، چیزی جز پیگیری اندیشه مردم کوچه و بازار نیست.

آدمهای پلیدی هستند که با زمان سنجی مناسب، از نگرانی های همگانی بهره می برند و خود را یک شبه رهایی بخش مردم می خوانند.

کوشش های سیاسی برای جوانان، مردابی مرگبار است.

سیاستمداری که تنها به پیشروی می اندیشد دمدام برای خویش دشمن تراشی می کند.

سخن گفتن از دوستی و دشمنی پایدار در سیاست، خنده آور است.

تنها میهمانی را بپذیرید، که بتوانید بدرقه اش کنید.

\* .....\* .....\* .....\* .....\* .....\* .....\* .....\* .....\* .....\*

## 9. فرگرد مردان و زنان کهن

چو گرمای تن مردان و زنان کهن به آسمان پر کشید با یاد خویش اندیشه هواخواهان خود را گرما دهند.  
مردان و زنان کهن در راه رسیدن به هدف، یک آن هم نمی ایستند.  
نگاه مردان کهن ایستا نیست آنها دورانهای آینده را نیز به خوبی می بینند.  
دودمان بی نیا و مردان و زنان کهن، به هزار آیین اهریمنی گردانده می شود.  
اگر نتوانیم به تبار خویش سامانی درست دهیم، مانند این است که در خانه ایی بی دیوار زندگی می کنیم.  
مردان و زنان کهن برآیند خوی و منش مردمان سرزمین خویش اند.  
رستاخیزهای اجتماعی بدون همراهی زنان شجاع غیر ممکن است چرا که زن پرچمدار وارسنگی، پاکی و از خودگذشتگی است.  
پشتکار گوهر مردان و زنان فرهمند است.  
بوی خوش بهشت در سخن زنان و مردان پاک نهاد جاریست.

\* .....\* .....\* .....\* .....\* .....\* .....\* .....\* .....\*

## 10. فرگرد برآزندگان

برآزندگان خواهند ساخت سرآیندگان از پس آن خواهند سرود و زمین آیندگان را بارور می سازند.  
برآزندگان سپاه یاران خویش را تنها در آمدگان و زندگان نمی بینند.  
برآزندگان گرما بخشند، سخن و گفتار آنان راه روشن آیندگان است.  
برآزندگان به گفتار سخیف و کم ارزش زندگی خویش را تباه نمی سازند.  
برآزندگان چشم در دست پر از بذر خویش دارند و آسمانی که مهربان است صدای غرش باد هرزه گرد آنها را از راه خویش برنمی گرداند.  
برآزندگان مست شراب هزاران ساله تاریخ کشورخویشند سخن آنان جز آهنگ خیزش و رشد نیست.  
برآزنده نمی گوید کیست، او می گوید چیستی؟ و از چیستت تو را به آسمانها می کشاند.  
برآزندگان بدنبال دگرگونی و رستاخیزند، رشد در کمینگاه راه های نارفته است.  
برآزندگان شادی را از بوته آتشدان پر اشک، بیرون خواهند کشید.  
دارایی برآزندگان، دلی سرشار از امید است به پهنه و گستره آسمانها.  
کمر راه هم در برابر آرمان خواهی برآزندگان خواهد شکست.  
برآزندگان و ترس از نیستی؟! آرمان آنها نیستی برای هستی میهن است.

پرهای خون آلود برآزندگان نقش زیبای آزادی آیندگان است.

کجاست سینه کش کوهستان سرد و بلندی که گامهای برآزندگان را بر تن خویش به یادگار نداشته باشد؟

برآزندگان دستی و دامنی برای کاشتن دارند! تا کدام فرزند برداشت کند؟...

ویرانه کاخ های برآزندگان هم، هزاران گهواره امید بر بستر خویش دارد.

میهن پرستی هنر برآزندگان نیست که آرمان آنان است.

چه فریست زندگی را آنگاه که برآزندگان را شناسی و در خود بیچی؟

\* \* \* \* \*

## 11. فرگرد اسطوره

سرزمینی که اسطوره های خویش را فراموش کند به اسطوره های کشورهای دیگر دلخوش می کند فرزندان چنین دودمانی بی پناه و آسیب پذیرند.

اسطوره ها زاینده اند! آنان برای فرزندان سرزمین خویش همواره امید به ارمغان می آورند.

اسطوره های کهن پایه ها و ستونهای فر و رشد کشورند.

\* \* \* \* \*

## 12. فرگرد پدر، مادر و فرزند

هیچ گاه در برابر فرزند، همسران را بازخواست نکنید.

این دیدگاه اشتباست که بپنداریم مرد توانا، فرزندی همچون خود خواهد داشت.

فرزند نانجیب، آتش عمر پدر است.

تنها مادر و پدر خواست های فرزند را بی هیچ چشم داشتی بر آورده می سازند.

مادر و پدر، زندگیشان را با فروتنی به فرزند می بخشند.

پرستاری از مادر و پدر زیباترین و پر ارزشترین زمان زندگی ست.

در چشم باد، نغمه های دلاویز مادر در گوش کودک بازیگوش شناور است.

برای مادر واژه ایی زیباتر از فداکار نمی توان یافت.

فرزندان نیکخو، برای نگهداری و کمک به پدر و مادر خویش، بر هم پیشی می گیرند.

پاکترین نگاه مهرآمیز را در چشمان پدر و مادر خویش جستجو کن.

\* \* \* \* \*

## 13. فرگرد فرمانروا



فرمانروای بزرگ مردم خویش را در هیچ کجای دنیا از یاد نمی برد و همیشه پناه آنان است.

فرمانروا اندیشه خویش را درگیر رخدادهای کوچک نمی کند.

سیاست بازان بدانند که فرمانروا همیشه به مردم بدهکار است.

سرمداران ناشایست ترسشان از ناکارآمدیشان نیست، دوری از فرمانروایی آنها را می ترسند.

سرمداران برای آنکه به توفان مردم گرفتار نشوند باید با امواج دریای آدمیان هماهنگ گردند. مهار دریا غیر ممکن است کسانی که فکر می کنند مردم را با امکانات خود مهار کرده اند دیر یا زود گم می شوند.

فرمانروایان نیرومند، رایزنایی باهوش و کارآمد در کنار خود دارند.

بیچاره مردمی که فرمانروایانش رایزن!، و رایزنانشان فرمانروا هستند.

مردم به دنبال گزارش روزانه فرمانروایان نیستند! آنان دگرگونی و بهروزی زندگی خویش را خواستارند.

فرمانروای دانا می داند، هیچ ندای با گشتن خفه نمی شود.

فرمانروای دانا، زخم خورده را بر هیچ کار دیوانی نمی گمارد.

خواست فرمانروا باید هم آهنگ با مردم باشد پیشداری او به نابودی اش می انجامد.

فرمانروای اندرزگو شایسته فرمانروای نیست تنها آنانی شایسته اند که اهل کارند.

همواره سودجویان خود را نگهبانان راستین فرمانروا می دانند. حال آنکه فرمانروای پاکزاد، به شمار مردم خویش پاسبان دارد.

وقتی دیوانسالاران از نزدیکان فرمانروایان شدند دیگر امیدی به رشد کشور نیست.

بیچاره مردمی که فرمانروایانشان، شاگردان رسانه ها باشند.

فرمانروایان تنها پاسخگوی زمان حال خویش نیستند آنها به گذشتگان و آیندگان نیز پاسخگویند.

فرمانروای شایسته به فکر انتقام از مردم خویش نیست.

فرمانروایان هیچگاه نباید از بار کاری که بر دوش گرفته اند شانه خالی کنند اگر هم اشتباهی رخ نموده با دلیری آن را بازگویند.

فرمانروایی که نتواند جلوی بیداد بزهکاران و چپاولگران را بگیرد شایستگی گرداندن کشور را ندارد.

فرمانروا در برکناری کارمند نابکار زمانی را نباید از دست دهد چون سیاهی کار بزهکار در دید مردم خیلی زود دامن او را نیز خواهد گرفت.

به حال سرزمینی که روشنفکرش، حرف فرمانروایان تمامیت خواه را تکرار می کند باید گریست.

بی شرم ترین فرمانروایان آنهایی هستند که ناکارامدی و اشتباهات خود را به مردم نسبت می دهند.

فرمانروایان بی خرد، مردم را شاگرد خویش می پندارند.

پادشاهی که مردمش از او فروتر بنشینند در فزونی و برتری نیست او در ته چاه کبر و خود بینی فرو افتاده است.

یکی از بزرگترین خوشبختی ها، خدمت بیشتر به مردم است.

میرآب، به اندازه دهد، همه دشت سبز خواهد بود.

فرمانروای نیک، دست نشانده پلید ندارد.

فرمانروایان با تجربه از همان چشمه ای می نوشند که مردم را سیراب می کند.

فرمانروایان برای رشد و بهروزی جوانان رودخانه های هدفمند کار فرام آورند، تا توان آنها به شوره زار و مرداب نرسد.

نگهبانی از داشته های یک کشور برای فرمانروا یک قانون است و انجام آن خودستایی ندارد.

در سرزمینی که هدفمندی و تلاش وجود دارد، کار و کوشش ارزش دارد و فرمانروایان زمینه پویش را فراهم می آورند ناراستی هایی همانند دوستی نابهنجار دختر و پسر گل نمی کند.

و فرمانروایی که دروغ گفت، فر و شکوه خویش را به خاک سپرد.

هیچگاه به دروغگویان میدان کارگزاری ندهید، با وجود این که توانایی انجام آن را بهتر از هر کسی داشته باشند.

پیشینه کهن پر است از داستان های بریده شدن نای دژخیمان بدست مردم.

چطور بر کاخ های فرمانروایان گذشته خورده می گیریم ؟ این کاخ ها نماد و نگار سرزمین ما در برابر دیگر سرزمینها بوده است. در ارزیابی گذشته، باید دیدی فرا داشت.

\* \* \* \* \*

## 14. فرگرد انتخابات

انتخابات مکان شعبده بازی دیوان سالاران نیست !.

امروزه، انتخابات آزاد تنها راهکار ادامه زندگی سیاسی فرمانروایان است.

انتخابات آزاد، دشمن هیچ یک از باورهای توده مردم نیست.

انتخابات درست و سازنده، ناجی کشور و نادیده گرفتن آن، پگاه رستاخیزی هولناک است.

کشوری که گروه های هدفمند سیاسی ندارد انتخابات هر روز بیشتر به پستی می گراید.

دیوان سالاران بر این باور نباشند که انتخابات حقی است که آنها به مردم می دهند !.

انتخابات نیاز به هنجاری خردمندانه دارد خردی که باور همه نخبگان آزاد اندیش کشور باشد.

انتخابات، پرشگاه سیاسیون برای رسیدن به دستگاه دیوانی نیست، اینجا خواست توده آدمیان برای درمان ناراستی هاست.

کوچک کنندگان دایره انتخابات، با بن و ریشه آن دشمن اند.

آدمیانی که انتخابات نیک را بی ارزش می انگارند و آنانی که دانسته در بازی انتخابات نادرست رای می دهند هر دو به یک اندازه به سرزمین خویش پشت کرده اند.

\* \* \* \* \*

## 15. فرگرد ریش سفید

دودمانی که بزرگان و ریش سفیدانش خوار باشند، به پیکره بی جانی ماند که خوراک جانوران دیگر شود. از آه و نفرین بزرگان و ریش سفیدان، باید ترسید.

گره های که به هزار نامه دادگستری باز نمی شود، به یک نگاه و یا ندای ریش سفیدی گشاده می گردد. اندیشه و سخن ریش سفیدان برآیند بردباری، مردمداری و سرد و گرم چشیدگی روزگار است.

ریش سفید دارا ترین به اندیشه است نه به دارایی و اندوخته.

ریش سفیدان، زنجیره ارتباط نسل ها هستند. خاندان بدون ریش سفید، گذشته ای کم رنگ دارد و آیین های به جای مانده، به هزار گونه، برداشت می شود.

آنانکه تیشه به ریشه بزرگان و ریش سفیدان می زنند خود و فرزندان شان را بی پناه خواهند ساخت.

تبار بی ریش سفید، همچون خانه بی پوشش است.

نخستین گام بهره کشان کشورها، ابتدا نابودی بزرگان و ریش سفیدان است و سپس تاراج دارایی آنها.

بزرگواری، بی مهر و دوستی بدست نمی آید.

خموشی ریش سفیدان هم پندآموز است.

شناخت ما از کرانه دریای وجود بزرگان، تنها به اندازه میدان دید چشم اندیشه ماست و نه بیشتر.

\* \* \* \* \*

## 16. فرگرد میهن

راهی را که در زندگی برگزیده ایم می تواند برآیند باز خورد کنش دیگران، با ما باشد. پرسش آن که :

- آیا ماخویشتن خویشیم ؟
- و یا همواره باید پاسخگوی برخوردهای بد دیگران باشیم ؟

این پرسش ها را که پاسخ گفتیم، آزادی در ما بارور می شود.

و پس از آن، آرمانی بزرگ همچون عشق به میهن در چشمه وجودمان جاری می گردد.

ابلهان در سرزمین های کوچک همواره سنگ کشورهای بزرگ را به سینه می زنند و هم میهنان خویش را تشویق به بخشش میهن و ناموس خود می کنند.

آنهايي که از زادگاه خود می روند تا رشد کنند با سپری شدن روزگار می فهمند بزرگترین گنج زندگی را از دست داده اند و آن زادگاه و میهن است.

صوفی مسلکان برای آنکه افکار اهریمنی خویش را گسترش دهند می گویند نیاز را باید از بین برد چون نیاز سبب دگرگونی می گردد و دگرگونی از دیدگاه آنان رنج آور است، حال آنکه هدف آدمی از زیستن پیشرفت و درک زوایای پنهان دانش است.

بجای گوشه نشینی و خرده گیری باید با ابزار دانش سبب رشد میهن شد و امنیت را برای خود و آیندگان بدست آورد. میهن پرستی، همچون عشق فرزند است به مادر.

میهن دوستی، دسته و گروه نمی خواهد! این خواستی است همه گیر، که اگر جز این باشد باید در شگفت بود. ستایش گران میهن، زنان و مردان آزاده اند.

میهن پرستی هنر برآزندگان نیست که آرمان آنان است.

آنکه به سرنوشت میهن و مردم سرزمین خویش بی انگیزه است ارزش یاد کردن ندارد.

سرپرستانی که از ارزش سربازی می کاهند، و پدر و مادرانی که، پیشدار میهنداری فرزندان خویش می شوند، به کشورشان پشت کرده اند.

برآزندگان و ترس از نیستی؟! آرمان آنها نیستی برای هستی میهن است.

آنگاه که آزادی فدای میهن پرستی می شود و وارون بر این میهن پرستی فدای چیزهای دیگر، کشور رو به پلشدی می گرایید و درد.

میهن پرستی و آزادیخواهی کلید درمان بسیاری از ناراستی هاست.

از سفر کرده، ارزش سرزمین مادری را بپرس.

روزی که میهن و کشور خویش را از یاد ببریم امنیت خویش را از دست داده ایم.

عشق به میهن نشان پاکی روان آدمی ست.

فداکاری در راه میهن، خوی بزرگان و جاودانه هاست.

فر میهن، به جوانان راستین اوست.

شورانگیزترین عشق، دلدادگی به میهن است.

اگر ارزش های میهنی کمرنگ شوند یکپارچگی کشورها به خطر می افتد.

ابلهانی با روان نازک و نرم (رمانتیک)، دشمنانه دستاوردها و پیروزیهای میهن خویش را به چالش گرفته اند.

خودخواه ترین آدمیان آنانی هستند که چشمشان را بر سرنوشت هم میهنانشان بسته اند.

\* \* \* \* \*

## 17. فرگرد سرآمدان

ایرانیان نیک نامی و پاکی تبار گذشتگان خویش را در شاهنامه فردوسی می بینند و در هر دودمانی که باشند برآن راه خواهند بود.

درود بر روان دیاکو، کورش و ارشک، که پایه های جاودانه ایران زمین را بنیان نهادند.

کورش نماد فرمانروایان نیک اندیش است و نام او می ماند، چرا که از راستی و کمک به آدمیان روی برنگرداند.

نادر شاه افشار توانست از خراب آبادی که دشمنان برایمان ساخته بودند کشوری باشکوه بسازد نام او همیشه برای ایرانیان آشنا و دوست داشتنی خواهد بود.

بارزترین و گرامی ترین گرایش گاندی، میهن پرستی او بود.

ابومسلم خراسانی نماد برافراشته آزادی ایرانیان است او بندهای دشمنان ایران را پاره کرد و خون گرمی شد در رگهای سرد کشورمان، خونی که تا ابد در دل این کشور خواهد جوشید و هر زنجیری را پاره خواهد نمود.

خواجهمنظام الملک توسی سه هدیه جاودانه برای ایرانیان به یادگار گذاشت نخست دستور داد سالشمار خورشیدی فراهم گردد تا سالشمار قمری کنار گذاشته شود، دوم آنکه دستور داد هزاران بار کتاب شاهنامه فردوسی خردمند بازنویسی شود تا زبان ایرانیان نجات یابد و سوم برافراشتن دانشگاههای نظامیه بود که ریشه و پایه دانشگاههای امروزی است.

کتاب گران سنگ شاهنامه، مهمترین دستاورد پیشینه کهن ماست.

\* \* \* \* \*

## 18. فرگرد پیران

پیران جهان دیده همواره جوانان را به خروش و بیداری فرا می خوانند.

نیرنگ پیران بدنهاد، تنها با مرگ به پایان می رسد.

جوانان زندگی خردمندانه می خواهند، کهنسالان باید آگاهی بخش اندیشه های آنان باشند نه بازیگران زندگی آنان.

پیران آزاده آنانند که از آموزش دودمان امروز کوتاهی نمی کنند و هر آنچه در اندیشه دارند را هدیه می کنند.

پیران اندیشمند به ریشه ها می پردازند نه به شاخه ها.

پیران جهان دیده برای گفتگو با جوانان مانع تراشی نمی کنند.

ارزش یکدیگر بویژه کهن سالان خویش را بدانیم که نیروی امروز ما برگرفته از نیروی ست که پیشتر آنها به ما بخشیده اند.

\* \* \* \* \*

## 19. فرگرد دشمنی

برای پیروزی اندیشه خود، بیاموز و پژوهش کن ! و برای گریز از دشمن مال و زندگیت، به هنجارهای قانونی پناه ببر و دوری پیشه کن.

اگر می خواهی کسی را بزرگ کنی، پیوسته از او به دشمنی یاد کن.

دشمنی به آدمی این زمان را می دهد که تواناییهای خویش را باز شناسد.

دشمن، دشمن است، فریب زبان چرب دشمن را مخور.

گردش نظام مالی آلوده، شمشیر دشمنان مردم را تیز می کند.  
بزرگترین ابزار دفاع در برابر دشمنان، خرد و اندیشه است.  
نوازش و دلربایی زیاد، پیشاپیش بستر مرگ را فراهم کند.

\* \* \* \* \*

## 20. فرگرد تندرستی

تندرستی پاداش نیک زیستی ست.  
تندرستی پرشگاه روان بیدار است برای گشودن دروازه های پیروزی.  
اندوخته ای با ارزشتر از تندرستی، نمی شناسم.  
تندرستی پیش نیاز هر آرمان باشکوهی ست.

\* \* \* \* \*

## 21. فرگرد ادب

با ترشروی به میان مردم رفتن، تنها از بیماران ساخته است.  
ادب نمایه آغازین خرد است.  
آدم با ادب دروازه دلها را همیشه گشوده می بیند.  
ادب با پول، دانش و آموزش بدست نمی آید ادب دارای ریشه است ریشه ایی به بلندای تاریخ.  
دانه ادب در درون ما همانند گیاهی رشد می کند آب آن، روشن بینی ست و خورشیدش، دوستان و همدلان.  
خواست ادب آن نیست که هر چه ما می خواهیم دیگران بگویند، ادب آنست که ببینیم آیا کسان دیگر در جایگاه خویشند ؟ و حال ما در کجاییم ؟  
برای آنکه کسی را با ادب بنامیم و یا وارون براین، باید کمی درنگ کرد و زمان را به کمک گرفت.  
مردم آدمهای بردبار را با ادب می دانند حال آنکه بردباری سنجشی درست نیست، باید ادب آنها را در آزمون ها سنجید و نه در سکوتها.  
ادب خویش را هیچ گاه فرو مگذار، با وجود آنکه مورد ریشخند باشی.

\* \* \* \* \*

## 22. فرگرد باران

به هنگام نکوهش هنگامه باران، به بهره اش نیز بیاندیش.  
بارش باران تپش زندگی و مهربانی است.  
خردمندان همچون باران بر اندیشه های تشنه می بارند و دگرگونی های آینده را موجب می گردند.

نم نم باران، سبب بیداری خاک گشته و آن را شکوفا می کند، خرد هم ناگهان پدید نمی آید زمانی بس دراز می خواهد و روانی تشنه باران.

بارش باران از پستان گیتی، فرزندان را در دل خاک جانی می دهد و زندگی را هویدا می کند و چه نیک مردان و زنانی که می بارند برای شکوفا شدن بستر آیندگان.

باران مهر آسمان است نه بغض آن، همانند آدمیان مهرورزی که می بارند و کینه توزانی که خشک و بی نشانند.

\* \* \* \* \*

## 23. فرگرد بخشنده

بخشنده از دست نمی دهد او همواره در حال بدست آوردن است.

بخشنده، داشته است نه تباه شده.

اگر آدمیان می دانستند بخشنده چه داشته بزرگست هیچ گاه از آن دوری نمی گزیند.

بخشندهگان فرمانروایان بی تاج و تخت میانه مردمند.

مردم همواره گوش به ندای بخشندهگان دارند.

برای رسیدن به بلندای بخشندهگی باید از آز وجود خویش بگذری.

گواراترین چشمه زندگی را در بخشندهگی و از خود گذشتگی جستجو کن.

مردم با فداکاری، خوشبختی را به هم هدیه می دهند.

\* \* \* \* \*

## 24. فرگرد گردن کشی

اگر پی به شکوه و گستره خرد خویش ببریم هیچ گاه به گردن کشی روی نمی آوریم.

گردن کشی آدمیان، ریشه در ریزی و خردی میدان اندیشه آنان دارد.

چه بسیار گردن کشانی که به آنی دچار زبونی شدند.

گردن فرازان به خرد روی آوردند و گردن کشان به نابخردی.

گردن کشان خیلی زود برده آدمهای بد کردار می گردند.

زورگو، خواب پریشان بسیار می بیند.

\* \* \* \* \*

## 25. فرگرد ریشه ها

آنانکه از رسیدن به ریشه ها هراس دارند، در روزمرگی دست و پا می زنند.

پرداختن به ریشه ها، کار ریش سفیدان و اهل دانش است.

ریشه آدم های سست بنیاد همانند درختان ریشه در مرداب، لرزان است.

وارون بر رشد و شکوه دانش آدمی، ریشه ادب و منش آدمها، از دوران دیرین تا کنون بسیار اندک دگرگون شده است. ادب تازیان، مردم افرنگ و یا خاور نشینان کمترین دگرگونی را در خود داشته است. آنچه دگرگون شده دانش و خرد است. اما ریشه همان دردهای دیرین خویش را بر پشت دارد.

آدمها میوه های درختانی هستند که ریشه ای از دیرینه دارند.

ریشه رشد تبهکاری در امنیت بزهکار است.

بستر جامعه همچون دریاست، هیچ بنایی بر آن پایدار نخواهد بود مگر آنکه خود را با امواج آن همراه سازد.

پنجره شناخت درست آدمیان، بازبینی زندگی نیاکان آنهاست.

\* \* \* \* \*

## 26. فرگرد راز

کلید رازهای بزرگ، در ژرفای کمی نیست.

هر چه بلند پروازتر باشیم به رازهای کمتری بر می خوریم.

آدمهای کوچک، رازهایشان هم کوچک است.

با آدمهایی که همیشه از شما می خواهند حرفهایشان را به این و آن نگویند کمتر گفتگو کنید.

هر حرفی راز نیست، اگر سخنی را راز می دانید آن را به کسی نگویند و اگر گفتید دیگر نگویند این را به کسی نگو ! چرا که خود شما توان نگهداری آن را نداشته اید چه برسد به شنونده سخن شما.

همسران، اگر رازهای زندگی خویش را بیرون نبرند خیلی کمتر به غم جدایی گرفتار آیند.

\* \* \* \* \*

## 27. فرگرد رایزن

رایزن نباید سودی روشنی در راهی که نشان می دهد داشته باشد.

رایزنی که دوستان فراوان دارد تکیه گاه مناسبی نیست او گرفتار است و اندیشه اش آزاد نیست.

رایزنی که کار، اجرایی می کند، قابل اعتماد نیست.

رایزن کسی است که می تواند از درون پیچیده ترین مشکلات، ساده ترین راهها را بیابد.

سخت ترین کارها، یافتن رایزن است چرا که رایزنهای بزرگ دور از دیدگان مردم، در اندیشه های دور در حال پروازند.

\* \* \* \* \*

## 28. فرگرد باج



بی گمان اولین باج، آخرین باج نخواهد بود.  
آنکه باج می گیرد زندگیش بسیار کوتاه است.  
اگر باج دادی ایمین مباش ! که این درد را درمانی دگر است.  
اگر هنجار ها و کار آگان سست باشند همان بهتر که باج را بدهی.  
هیچ هنجاری نمی تواند فراتر از جان بی گناهی باشد چه باج باشد و چه غیر آن.

\* \* \* \* \*

## 29. فرگرد ساختار

بازده ساختار بیمار، درد و سیاهی ست.  
در هستی جنبش حشرات هم چهار چوبی دارد.  
تا ساختار ها سامان نیابد رشدی هویدا نمی گردد.  
قانون اساسی هر کشور نمای ساختار آن سرزمین است و ناراستی آن، سستی و پلشیدی در پی دارد.  
ساختاری که با سرشت آدمی سازگار نباشد توان پایداری ندارد.  
نیرومندترین ساختار ها، نرم ترین آنهاست، ساختار های خشک و سخت خیلی زود نابود می گردند.  
نگاهداری ساختاری بیمار از نادانی است باید راهکاری درست برای درمان آن یافت.  
نکات سخت هم اساسی ساده دارند.  
آیینی که آدمی را به گوشه نشینی و ادار کند دوامی نخواهد داشت.

\* \* \* \* \*

## 30. فرگرد کوهستان

به کوهستان مینگرم، درونم سرشار از نیرو میشود کوهها سر فرود می آورند و میگویند: باز ما را درخواهی نورد.  
کوهستانها و دره های بی انتها در درون آدمها می بینم.  
گام نهادن بر نوک کوه وجود، بسیار سخت تر از هر کار دیگریست.  
کوهستان ها هم رامشگاه آزدگان و بی پروایان است و نهیب ماندگاران تاریخ.  
خرمدندان تاریخ همچون رشته کوههای سترگ، دشتهای آدمیان را نگاهبانی می کنند.  
کوهستان را بنگر، به تو میگویند نوک بلند و خیره ساز آن، از پس دامنه ای گسترده، آسمان را به زانو درآورده است.

\* \* \* \* \*

## 31. فرگرد پشیمانی

پشیمانی، اولین گام برای پوزش است.

درحالی که مردم برای اشتباه ناکرده هم باید پوزش بخواهند! سیاستمداران پر اشتباه خود را عاری از هر گونه ایراد می دانند و برای همین هیچ گاه پوزش نمی خواهند.

آنکه پوزش نمی داند چیست! مناسب دوستی نیست.

از پس پشیمانی می توان راههای تازه ایی را برای نجات یافت.

پشیمانی که ما را به راه راست نکشاند، هیچ ارزشی ندارد.

تنها پشیمانی را باید بخشید که بر اشتباه خود آگاه شده و آن را بر زبان جاری می سازد.

\* \* \* \* \*

### 32. فرگرد بزرگداشت

بزرگداشت، بخشش بی ریای مهر است مهری که با آن می توان بوی بهار را همیشه همراه داشت.

بزرگداشت، دروازه ای از بهشت است.

بزرگداشت توان نیروهای جوان را نیز دو چندان می کند.

استخوان بندی شهرها در دیوار است و بزرگداشت.

بزرگداشت آدمیان، رشد فرهنگ را در پی دارد.

بزرگداشت کسانی دیدنیست، که از دیدگان مردم بسیار دورند.

بزرگداشت در هر کجا می تواند باشد از خانه تا مدرسه و از روستا تا شهر.

\* \* \* \* \*

### 33. فرگرد نامداری

نامداری بی نیک نامی، به پیشیزی نمی ارزد.

نامداران ابتدا از نام خویش گذشته اند.

نامداری که خود را به خواری می افکند، هزاران دل آویخته به دامن خویش را نیز به خاک می کشد.

نامداران ماندگار آنانی اند که سرشتی نیکو و دلی سرشار از مهر دارند.

نامدار کهن اسطوره و راهبر دوران هاست، سرشت او با خوی مردم سرزمین خویش همگون است نه با سرشت فرمانروایان.

نامداران هیچگاه خویش را گرفتار پاسخ به ابلهان کج اندیش نکردند.

\* \* \* \* \*

### 34. فرگرد ستایشگر

ستایشگر همیشه بر ستایش شونده در حال پیشی گرفتن است. او یاد می کند و دلداری برآورده می سازد.

ستایشگری آگاهانه، چالوسی نیست چرا که خیلی زود ریشه ستایش شونده خاکی تازه را در دور ریشه خویش می یابد و در پس روزها این کار به بار خواهد نشست، میوه تازه آن بسیار بهتر از گذشته خواهد بود.

ستایشگری هنر است هنری که با آن می توان ناراست ترین آدمیان را هم دلپسند نمود.

همسران باید یکدیگر را ستایش کنند و فرزندان هم آنان را و آموزگاران... ستایشگری برای همه هست.

مهرورزی و ستایشگری درمان بسیاری از دردهای آدمیان است.

آنکه خودخواه است توان ستایشگری و مهرورزی ندارد او بسیار تنهاست.

\* \* \* \* \*

### 35. فرگرد خود

خود را، تا هنگامی همراه داری که دلداده نشده ای، دلبسته با خویشتن خویش بیگانه است.

خودآختگی قابلیت است که بسیاری ندارند.

خودت را بشناس و به آن بیال.

در برف، سپیدی پیدا است. آیا تن به آن می دهی؟ بسیاری با نمای سپید نزدیک می شوند که در ژرفنای خود نیستی به همراه دارند.

برای کسب خرد، سختی را بر خود هموار کن.

خود کامگان در ژرفنای وجود خویش گم می شوند.

خود را می توان نابود ساخت! نخست با گردن نهادن بر پیشگاه ناداوری فرمانروایان و دیگر تن دادن به رسوایی و بدنامی.

\* \* \* \* \*

### 36. فرگرد طبیعت

آدمی ریشه در خاک و طبیعت زیبا دارد آنانی که پاکروانند نسیم دل انگیز این زیبایی اند.

سرود طبیعت ضربانی ملایم و کشیده دارد.

طبیعت زنده و پویاست نکوداشت آن، گرامی داشتن ریشه گاه آدمیان است.

آدمیانی که طبیعت خویش را نابود می کنند برآستی بی ریشه و مزدورند.

طبیعت زیبا آدمیان را در گذر زندگی همواره شاداب و جوان نگاه می دارد.

روان رنجور، در طبیعت سبز دوباره پیوند خواهد زد و به زندگی خویش ادامه خواهد داد.

در طبیعت فصل بهار، تنها سه ماه است، اما آدمی می تواند همواره بهاری باشد.

خوی مهربان، ریشه در طبیعت گل ها دارد.

طبیعت، تنها هدیه ای برای ما نیست، باید آن را پاس داریم و به آیندگان بسپاریم.

نابود کننده طبیعت، عمر خویش و فرزندانش را کوتاه می سازد.

درختان شاهد ستمگری و ناراستی آدمیان هستند.

کشتارگاهی خاموش دیده اید ؟ آری من دیده ام قتلگاه خاموش درختان، جنگلهای بی سایه بان...

طبیعت زنده و پویا، باردار مردان و زنان شادیست که آینده ای روشن را نوید می دهند.

هنگامیکه درختان، سر بر زمین سرد می ساینند، نوای بوم ها نیز غنیمت و شنیدنی ست.

دشمنان و نابودگران جنگلها را باید به سرزمینهای خشک فرستاد.

طبیعت و جنگلهای نابود شده، آرامگاه غم انگیز آدمیان خواهد شد.

برگها، دست های باز راز و نیاز زمین و آسمان هاست.

زیستگاه طبیعی ما، آینه تمام نمای فرهنگ ماست.

زنجیره طبیعی زیستگاه های خویش را با رویکردهای اشتباه، بیشتر از این آسیب نزنیم.

چشم انداز شادی و نیک زیستی خود و آیندگان را با ستایش و مهر به زیست بوم های خویش، روشن تر و زیباتر کنیم.

دستان بزهکاران را از دامن زیستگاههای طبیعی خویش کوتاه کنیم.

چرا به دنبال طبیعت بکر و دست نخورده هستیم؟ پاسخ ساده است چون نمیخواهیم دست نابودگر دیگر آدمیان را ببینیم.

دارایی یک کشور تنها به زر و گوهر های خزانه نیست، داشته های طبیعی، گونه های گیاهی و جانوری، ثروتی بی نهایت ست.

آیا سهم فرزندان ما از طبیعت، چشمه ساران گمشده، آشیانه پرندگان بر زمین افتاده و نغمه شوم ماشین های پولادین است؟

نگهداری از زیست بوم های گیاهی و جانوری، ریشه در منش و فرهنگ مردمان هر سرزمین دارد.

شادی بر سرآورده نابود کنندگان طبیعت، نخواهد نشست.

زمین رویشگاه گل هاست، این ما هستیم که تن پوشی از زباله بر تنش می کشیم.

گریزی از بسامد کنش های ما نیست، آنچه بر طبیعت و زیست بوم خویش جاری ساخته ایم خیلی زود در برابرمان سر خواهد افراشت.

گیاهاان بهترین و پاکترین زنجیره خوراک آدمیان هستند.

آدمیان همواره نیازمند آموزشهای زیست محیطی هستند.

برای نگهداری و نگهبانی از طبیعت باید نگاهی همه فراگیر و باز داشت.

طبیعت همچون آینه می تواند باز خورد رفتار و کنش های ما باشد.

نظم تحمیلی آدمیان بر طبیعت، کشنده و نابود کننده است.

طبیعت همچون آینه می تواند بازخورد رفتار و کنش های ما باشد.

نظم تحمیلی آدمیان بر طبیعت، کشنده و نابود کننده است.

طبیعت خود زایشگر است. زایشگر آنچه نیازمند آن است.

دگرگونی پایکوبی طبیعت برای پویش و زندگیست.

طبیعت به ما می گوید گهواره شادیتان خواهم بود اگر دوستم باشید.

زیباترین جای دنیا چگونه می تواند باشد؟ سرزمینی بکر و زیبا، نغمه پرندگان، پر از گل و چشمه ساران روان و...  
حال ما با طبیعت چه کرده ایم؟! و چه می کنیم!؟...

\* \* \* \* \*

### 37. فرگرد بی باکی

نخستین دروازه بی باکی، تهی شدن از دلبستگی هاست.

بی باکی گله، ناشی از چوپان بیدار است.

بی باک به آرمان خویش می اندیشد آرمان هویدا او را رویین تن می سازد.

اسطوره ها بی باکند، آنها خوی برتر خویش را به آیندگان هدیه می دهند.

تنها بی باکی ارزشمند است که ریشه در پاکی و سرشت نیک آدمی دارد.

بزرگترین فر و داشته بی باکان روزگار، دلپایست که به آنها امید بسته اند.

\* \* \* \* \*

### 38. فرگرد پیوند

پیوند از پس تنهایی رخ می دهد، ارزش می یابد و توان آدمی را چندین برابر می کند، پس باید هر پیوند پاکی را شاد باش گفت.

پیوند پاک، پیوندی ابدی است.

کسی که می ماند و نمی پرد به یک راز بزرگ آگاه گشته و آن فلسفه پرواز است.

بریدن یک پیوند پاک، فرو ریزی دهشتناکی ست.

پیوندمان را با یاد آوری سرشت نیکمان نیرومندتر سازیم.

پیوند ما تنها با زندگان نیست همه ما پیوندی ابدی با نیاکان و اسطوره های سرزمین خویش داریم.

در دل هر بنایی کرشمه یاری را می شود دید، اگر دلنوازی نباشد خشتی بر خشت نمی نشیند.



### 39. فرگرد فریاد

خاموشی، بیشه نبرد، فریادها در سینه دارد.

فریاد سیمای آغازین هر شورش و رستاخیز است، پژواک آن آینده را می سازد.

استخوان بندی فریاد، یاسخی ست به هزاران ستم بی صدا.

فريادهاي دردناک و ستم‌ديده، شمشيرهايست که هر آن به گونه اي انتقام مي گيرند.

فریادرس یاکزاد است، او گوشش بیشتر تیز شده و آماده کمک رسانی ست.



#### 40. فرگرد اندیشمندان

اندیشمندان همواره بدنیاال پیدا کردن راهی مناسب برای بهبود زندگی آدمیان است.

اندیشمندان را شاید بتوان نادیده گرفت یا به زور خفه شان نمود اما تاریخ، گواه هزاران سال فریاد رسای آنان بوده و هست

اندیشمند یگانه است و اگر از ترس سکوت نمود با آدمهای دیگر هیچ فرقی ندارد.

اندیشمندان، همواره نا آشنا می مانند که راه سخن گفتن با مردم خویش را نمی دانند.

راه های آینده ابتدا در اندیشه خردمندان رسم می گردد سپس مردم با کوششی بسیار آن راه ها را خواهند ساخت.



#### 41. فرگرد آموزگار

آموزگار بالهای بزرگی ست که دانش آموز را به فرای آنچه می داند می برد، آن فرا اگر روشنی باشد دودمانهای آینده را شکوهی شگفت انگیز فراهم می کند.

یک آموزگار می تواند با رفتار و گفتارش کشوری را دگرگون سازد.

آموزگاری، عشق است چنین جایگاهی هیچگاه به دست غیر مباد.

دانش آموزان جوانه های برخاسته از وجود آموزگاران اند که با آسمانها می آمیزند و ریشه گاهشان همان خاک پر ارزش است.

یک آموزگار خام می تواند شاگردان خویش را برای همه زندگی سرگردان کند.

طبیعت، آموزگار بزرگیست، خردمندان از آن درس ها می گیرند.

هیچ آموزگاری، سختگیرتر و راستگوتر از زمان نیست.

زمانه به ما می آموزد بسیاری از باید ها و نبایدها، خنده آور بوده اند.

\* \* \* \* \*

## 42. فرگرد خرد و دانش

جام عمر را جز با می دلدادگی به خرد و دانش پر مکن.

خرد و دانش ابزار پیراستن اشتباهات است و خردمندان ابزار دون پایگان نمی شوند.

خرد در بستری طوفان زده رشد نمی کند.

دانش را می آموزی اما خرد، برآیند اندیشه و آموخته های ماست.

تنها آشیانه خرد، راستی و درستی ست.

خرد ابزار توانایست و خردمند با فر دانش و اندیشه پاک خویش می آفریند، او زایشگر رخدادهای امروز و فرداهاست.

خرد در دانسته های ما دیده نمی شود، خرد تنها در کردار ما هویدا می گردد.

\* \* \* \* \*

## 43. فرگرد آغاز

ستایش، هنگام نو رستن را.

آغاز هر روز، نو شدنی دوباره است، و زمانی برای پویایی بیشتر.

هر آن می تواند آغازی دوباره در زندگی ما باشد، پس هیچگاه پایانی پیش روی ما نیست.

تنها آغاز ها را باید جشن گرفت چرا که شیره جهان در رشد و زایندگیست.

هیچ آغازی را مزاری نیست چرا که همواره در حال دگرگونی و رشد است.

\* \* \* \* \*

## 44. فرگرد پیمان

استوارترین پیمانها آنهاییست که با اندیشه مان پذیرفته ایم.

ارزش پیمان شکن، باندازه کفن هم نیست.

پیمان ها در هنگامه نیازها بسته می شود، و آنگاه که پاره شود چیزی جز پلشیدی و زبونی بر جای نمی ماند.

میدان پیمان های گسسته، همچون مردابی دهشتناک است که باید از آن گریخت.

\* \* \* \* \*

## 45. فرگرد بدگویی

بدگویی، رسوایی در پی دارد.

کسی که بدگویی می کند خواری را به جان می خرد.

اگر همدمت آدمی بدگو باشد، خیلی زود اسیر وهم و سیاهی دل می شوی.  
 بدگویان را تنها بگذارید تا درون مایه چرکین آنها شما را نابود نسازد.  
 شاید در کوتاه مدت بدگویان به هدف خود نزدیک شوند اما در بلند مدت رسوای جهانند.

\* \* \* \* \*

#### 47. فرگرد خنده

چه زیبایند آنانی که همیشه لبخندی بر لب دارند.  
 آنکه همیشه لبخندی بر لب دارد شادی را به همگان هدیه می دهد.  
 خنده های بلند و پیگیر، نفیر فرا رسیدن هنگامه رنج و سختی ست.  
 خنده در ورای خود رازها در سینه دارد.  
 خنده طبیعی زیباست و نوای زندگیست.

\* \* \* \* \*

#### 48. فرگرد شایستگان

شایستگان آنانی هستند که آفریننده و منجی اند.  
 بخشیدن تخت و اورنگ به خویشاوندان، از زبونی است.  
 شایستگان بالندگی و رشد خود را در نابودی چهره دیگران نمی بینند.  
 شایستگان با گذشت هستند و بخشنده.  
 شایستگان چهره ای گشاده دارند، نگاهی مهربان، دستی نوازشگر و نوایی پندآموز.  
 شایستگان بردبارند و امیدوار.  
 سالار دل ها بودن، با ارزش تر از هر آرزویی است.  
 تنها کسانی شایسته هستند که اشتباهی را دو بار انجام نمی دهند.

\* \* \* \* \*

#### 49. فرگرد هیچ

فریبکار و نیرنگ باز هیچ پایگاهی نخواهد داشت آخرین و ترسناکترین درسی که خواهد آموخت تنهایی ست.  
 هیچ کدام از ما، همه چیز را در اختیار نداریم پس به هم نیازمندیم برای برآوردن نیازهایمان باید به ادب میدان دهیم.  
 هیچ گاه برای آغاز دیر نیست، همین بس که به خود بگویم این بار کار ناتمام را پایان می دهم.  
 هیچ کس و هیچ چیز نمی تواند از پویندگی ما جلوگیری کند.



هیچ فرازی در برابر آدم های پاکباخته توان ایستادگی ندارد.

\* \* \* \* \*

## 50. فرگرد آینده یک نظام سیاسی

• شواهدی که نمایشگر ماندگاری و جوانی نظام سیاسی هستند :

- 1- همبستگی و از خود گذشتگی ملی بین توده
- 2- همراهی اهل فرهنگ و اندیشه با دستگاه اداره کشور
- 3- بالندگی و پیدایش اهل خرد
- 4- گردش نخبگان در اداره کشور بدون چالش گسترده داخلی
- 5- مهم بودن رخدادهای درونی کشور برای مردم
- 6- رشد سرودهای حماسی و ملی
- 7- امید به آینده نزد توده مردم
- 8- مردم اداره کنندگان کشور را پیشرو و پاک می بینند
- 9- بها دادن به هم دیگر برای اداره کشور بر اساس تواناییها
- 10- در اندیشه جوانان، قهرمانان زنده و در زمان حال هستند.
- 11- دلگرمی همگانی نسبت به گذشتن از چالش های پیش روی کشور
- 12- پرهیز جوانان از گوشه نشینی و انزوا
- 13- همراهی مردم با نخبگان دستگاه فرمانروایی

• شواهدی که نمایشگر فروپاشی و پیری نظام سیاسی هستند :

- 1- رشد هزل و جک بین مردم
- 2- رشد بی تفاوتی بین هنرمندان و اهل فرهنگ نسبت به دستگاه اداره کشور
- 3- منزوی شدن خود خواسته اهل خرد
- 4- سردی همگانی نسبت به رخدادهای سیاسی کشور
- 5- مهم شدن تحولات برون مرزی برای مردم
- 6- پناه بردن به غزلیات و شعر های بی بنیاد و سکر آور
- 7- عدم امید به آینده نزد توده
- 8- لکه دار شدن بزرگان و سروران توده ملت ( آنهایی که زمانی توانایی بسیج همگانی را داشته اند )

- 9- رشد طایفه گری در درون سیستمهای اداری و خصوصی کشور
- 10- پناه بردن جوانان به ابرمردان تاریخ برای پوشش ضعفهای زمان خودشان
- 11- نگاه شک آلود و تیره مردم به رخدادهای کشور
- 12- رشد گسترده صوفی منشی
- 13- سیر قهقرایی و دشمنی بین نخبگان مورد تایید ساختار سیاسی و توده مردم

\* \* \* \* \*

## 51. فرگرد فروتنی

دریاها نماد فروتنی هستند. در نهاد خود کوه هایی بلندتر از خشکی دارند ولی هیچ گاه آن را به رخ ما نمی کشند. فروتنی زمانی هویدا می گردد که آدمی از کوهستان وجودش پایین آمده و یا در حال فرود آمدن است. فروتنی در برابر گردنکشان اشتباهی بزرگ است. چرا که این کار آنها را گستاخر و بی پروا تر می نماید. فروتنی و گذشت خویی مردان و زنان پاکدل است. فروتنی ما را خواستنی می کند و دوست داشتنی.

\* \* \* \* \*

## 52. فرگرد بخت

همای بخت بر شانه ات نخواهد نشست مگر آنکه شانه ای به گستره و پهنای کوهستان داشته باشی. بخت همچون مرغی در گوش ما زمزمه می کند و ما را با خود به سوی می کشاند که باورش را هم نمی کردیم. بخت آدمی به گذشتگان، آیندگان و جهان کهکشان ها گره خورده است. زندگی و بخت در یکدیگر تنیده شده اند تا جایی که گاهی بر این باور می شویم : بخت ما در دست خود ماست. چهره و کردارمان می تواند نمای بخت مان نیز باشد. آنگاه که تلاش می کنیم همه چیز را به زور در چنگ خویش داشته باشیم، دستانمان خالی تر از، هر زمان دیگر است.

\* \* \* \* \*

## 53. فرگرد انتقام

اگر هنجارهای سرزمینها نیرومند باشند انتقام هم گم می شود. میوه کشتن، کشته شدن است. تاراج و شورش هیچ گاه بهانه تاراج و شورش دیگری نیست. هنگام گسست و بریدن از همه چیز، می توانی بسیاری از نداشته ها را در آغوش کشی.

گذشت را می توان در مورد آدمها به کار گرفت اما باید دانست این درس از آن آدمهاست نه کشورها، سکوت در مقابل وحشی گری دشمن هیچگاه درست نیست.

فرمانروایان اگر خویی صوفیانه داشته باشند همواره دشمنان سرزمین خویش را افزون نموده و گستاخ تر می کنند. نادانی و پستی یک نفر در گذشته، نمی تواند میدان انتقام از خاندان او باشد.

\* \* \* \* \*

## 54. فرگرد ترس

سربازی که می ترسد، جان خود و دیگر سربازان را به خطر می افکند.

چه بیچاره اند مردمی که، قهرمانشان بزدل است.

برای دلهره شبانگاهان، نسیم گرما بخش خرد را همراه کن.

خردمندان ترس را هم به بازی می گیرند.

ترس می تواند پیشرفت و رشد به همراه آورد اما این پیشرفت هم در نهایت توان آرام سازی روان آدمی را ندارد، سخن دلنشین خردمندان دل ها را آرام می کند.

کسانی که بیم از دست دادن جایگاه خویش را دارند، همواره فریاد می کشند.

\* \* \* \* \*

## 55. فرگرد خوار نمودن

خوار نمودن هر آیین و نژادی به کوچک شدن خود ما خواهد انجامید.

تنها کسی که موجب خواری همیشگی ما می شود خود ما هستیم.

سرچشمه خوار نمودن دیگران، بی شرمی و بی ادبی ست.

کسانی که دیگران را با بی ارزشترین واژه ها به ریشخند می گیرند ابلهانی بیش نیستند.

آنانی که چیزی برای گفتن ندارند با لودگی و ریشخند تلاش می کنند خودی نشان دهند.

با نگاه پست همه چیز را می توان ننگ شمرد حتی مهر مادر به فرزند را...

\* \* \* \* \*

## 56. فرگرد فریب

با فریب شاید بتوان چیزی بدست آورد اما در نهایت همان دستاورد مایه تباهی خواهد بود.

فریبنده همیشه در حال فریب خوردن است.

فریب بی گناه، خفتی هولناک در پی دارد.

فریبکاران همه کسان و خویشان خود را از دست می دهند.

رسواترین آدمها، فریبکارانند.

\* \* \* \* \*

## 57. فرگرد آگاهی

بیداری بدون آگاهی امکان پذیر نیست.

هر پیوستنی آگاهی و میوه ای نو به ارمغان می آورد.

آگاهی تنها راه رسیدن به آزادی ست.

آگاه بر داشته های خود بیناست.

آگاهی هدف را نزدیک می کند و از دوباره روی بازمان می دارد.

بدون خودآگاهی ملی، کشور رنگ پیشرفت به خود نمی گیرد.

با روشنگری می توان جلوی بسیاری از آشوب های بی مورد را گرفت.

آنگاه که مردم بر داشته های خویش آگاه باشند دیگر تن به ستم نمی سپارند.

\* \* \* \* \*

## 58. فرگرد آدمی

خبرچین، بزودی بی خبرترین آدم خواهد بود.

آدمی می تواند بارها و بارها به شیوه های گوناگون قهرمان شود.

آدم های بزرگ به خوشی های کوتاه هنگام تن نمی دهند.

نرمدلی و نرمش منش آدمی است و سنگدلی و سختسری منش اهریمن.

خوش نامی بزرگترین فر و افتخار هر آدمی است.

نمی توان امید داشت، آدم های کوچک رازهای بزرگ را نگاه دارند.

میهمانی های فراوان از ارزش آدمی می کاهد، مگر دیدار پدر و مادر.

آسودگی آدمی، به گنج و دینار نیست که به خرد است و دانش.

آدم مادیگرا، جاده های احساسش کم رفت و آمد است.

بخش بزرگی از ادب آدمی برآیند ریشه نژادی و خانوادگی است.

غم، می تواند از پایمان درآورد و اگر خود ساخته باشیم نیروی سرفرازیمان خواهد شد.

آدمهای پاک نهاد درهای وجودشان را پس از ناسپاسی می بندند نه پیش از آن.

پیش نیاز دلیر بودن بدنی ورزیده نیست، گاهی آدمهای سبکبار، پشت کوهستان را هم به خاک مالیده اند. قهرمان های آدمهای کوچک، همانند آنها زود گذرند.

کین خواهی از خاندان یک بدکار، تنها نشان ترس است، نه نیروی آدمهای فرهمند.

آنکه با آدمهای گستاخ گفتگو می کند، دیر و یا زود به شر آنها گرفتار آید.

برای آنکه به فرودستی گرفتار نشویی، دست گیر آدمیان شو.

گفتگو با آدمیان ترسو، خواری بدنبال دارد.

همه آدمیان به شیوه های گوناگون سختی های روزگار را می چشند.

سرنگونی با آدمهای شتابنده ( عجل ) زاده می شود.

برای آدمهای گرسنه، هیچ نسخه ای، جای خوراک آنها را نمی گیرد.

آیا همه باید به یک اندازه داشته باشند؟! پایگاه مردمی همه آدمیان باید برابر باشد؟! کسانی که اینها را می گویند یا ابلهاند و یا گرگانی هستند که پوستین گوسفند به سر کشیده اند. آنگاه که عده ایی شب و روز برای رشد و بالندگی سرزمینشان تلاش می کنند از همه چیزشان می گذرند هزاران هزار نام ناشناخته در وادی های گوناگون از کیان کشور، آزادی و مردم خویش با سینه ایی ستبر نهبانی می کنند را چگونه می توان با کسانی یکی نمود که تنها موارد با اهمیت زندگی آنها ; زمان خواب و خوراک، دیدار دوستان کوچه و بازار، آخرین فیلمی که بر پرده سینماست و یا چشم و ابروی دیگرست....

دیوان سالاران واپسگرا بر این باورند که همنوایی با مردم کوچه و بازار بسیار آسان تر از همنوایی با خردمندان است. نفرین به دلی که آه ستمدیدگان را نمی شنود و دست گیر آدمیان نمی شود.

\* \* \* \* \*

## 59. فرگرد نابودی

دشمن ابزار نابود ساختن آدمی را، در درون سرای او جست و جو می کند.

بزرگترین کارخانه نابودی توانمندیها، آیین آموزشی نادرست است.

سیاسیون وقتی دشمن یک خواسته پایدار مردمی هستند، بهترین گزینه ایی که برای نابودی آن اجرا می کنند این است که : بیشتر آفات آن را خوب بپرورند و سپس آن درخواست همگانی را با آفاتی که ساخته اند آزاد می سازند.

با ولخرجی تنها مال نمی رود، زمان ارزشش فراتر است، و آن هم نابود می شود.

فزون خواهی برای داشته های ما زیانبار است.

آنانی که به ناگهان رشد کرده اند همچون کسی اند که بر تنابی باریک در حال گذرند.

وابستگی زیاد به دانستن اخبار و رویدادهای پراکنده جهان، پس رفت ما را به ارمغان می آورد.

دارایی زیاد برای یک جوان می تواند ابزار سرگردانی باشد.

\* .....\*

## 60. فرگرد پیشرفت

پیشرفت آدمی زمانی بدست می آید که بر کردار و رفتار خود فرمانروا باشد.

خواسته مراد از مرید خاموشی و ژرف نگریت، و خواهش مرید از مراد، نشان دادن راه پیشرفت.

پیشرفت تنها در سایه آمادگی همیشگی ما بدست می آید.

مردمان توانمند در خواب نیز، رهسپار جاده پیشرفتند.

برای پویایی و پیشرفت، گام نخست از پشت درهای بسته برداشته می شود.

\* .....\*

## 61. فرگرد بردباری

خرمندان همچون بازها دیدی گسترده دارند و بردبارند.

بردباری در توان هر کسی نیست کسانی که بردبارند فرمانروایی می کنند.

بردباری بهترین سپر در روزهای سخت و ناپایداریست.

با بردباری همه چیز در چنگ توست.

آه و بردباری، ریشه هر دیوزاد، و بد خویی را، خواهد کند.

\* .....\*

## 62. فرگرد راه

در پشت هیچ در بسته ای ننشینید تا روزی باز شود. راه کار دیگری جستجو کنید و اگر نیافتید همان در را بشکنید.

اگر شما به مشکلات پشت کنید سختی ها هیچگاه به شما پشت نخواهند نمود بهترین راه، مبارزه پیگیر و همیشگی با سختی هاست.

گاهی برای رسیدن به پیشرفت می بایست راه سخت کوهستان را برگزینیم.

راه آشتی را کسی باید بیابد که خود سبب جدایی شده است.

آنکه بر کردار خویش فرمانروایی کرد و دلیرانه بسوی راه های نارفته رفت بی گمان آموزگار آیندگان خواهد شد.

آنکه پی به نیروی سترگ درون خود برد، راه آزاد سازی آن را نیز خواهد یافت.

راهی جز نرمش و بازی با هستی نیست.

راه مبارزه با اندیشه نادرست، پرداختن بر اندیشه درست است. هر راه دیگری، ریشه کجروی را نیرومندتر می ساز.

\* .....\*

## 63. فرگرد خویش

اگر جانت در خطر بود بجای پنهان شدن بکوش همگان را از گرفتاری خویش آگاه سازی.  
 با گفتن واژه هایی همانند نمی توانم ! و یا نمی شود ! هر روز پس تر می روید.  
 نخستین کسی که در برابرش باید گرنش کنی خویشتن خویش است.  
 خویش را خوار نکنیم و اگر ارزشش را بدانیم هیچگاه در برابر یلوه گویان آسیب پذیر نخواهیم بود.  
 آدمهای بی مایه، همگان را ابزار رسیدن به خواسته های خویش می سازند.  
 بسیاری از آرزوهایمان را می توانیم با نشان دادن توانمندی خویش به آسانی بدست آوریم.  
 آنگاه که سنگ خویشتن را به سینه می زنید نباید امید داشته باشید همگان فرمانبردار شما باشند.  
 تبهکار همیشه نگران کيفر خویش است حتی اگر بر زر و زور لمیده باشد و این بسیار درد آور است چرا که سایه کيفر همواره در برابر دیدگانش است.  
 هنگامی که می خواهی وظیفه و بایسته خویش را انجام دهی از کسی فرمان نگیر.  
 آنکه می دزدد، نفرین و خواری ابدی برای خود به ارمغان می آورد.  
 بسیاری در پیچ وخم یک راه مانده اند و همواره از خویشتن می پرسند : ما چرا ناتوان از ادامه راهیم. بدانها باید گفت می دانی در کجا مانده ای؟ همانجای که خود را پرمایه دانسته ای.  
 کردار ناپسند خویش را با دارایی زیاد هم نمی توانی پنهان سازی.

\* \* \* \* \*

## 64. فرگرد سکوت و خموشی

آتش خشم را با آب سکوت خاموش کن.  
 برای کسب گنج سکوت، بارگاه دانش ات را بزرگتر بساز.  
 رویش باغ سکوت، در هنگامه خروش و همهه ارزشش را نشان می دهد.  
 خموشی، دری به سوی نگاه ژرف تر است.  
 اگر دشمنت با روی خوش نزدیکت شد، در برابرش خموش باش و تنهاتش بگذار.  
 گاهی با سکوت نیروی خویش را، بهتر نشان می دهی.  
 در هنگامه رستاخیز و غرش آخرخش مردمان، خموش باش چرا که سختی را پژواکی نیست.  
 کسی که زبانش پیش از اندیشه اش می جنبد، باید همواره بدنبال دوستان تازه باشد.

\* \* \* \* \*

## 65. فرگرد نگاه

نگاه خردمندان به ریشه ها می رسد و دیگران گرفتار نمای بیرونی آن می شوند.  
نگاه درون و برون ما، از خویشتن خویش آغاز و بدان خواهد انجامید.  
درون ما با تمام جزئیات، از نگاه تیزبین اهل خرد پنهان نیست.  
نگاه زمینیان، تهی است از انوار آسمانیان.  
نگاه آدمهای کوچک، چه زود پر می شود و لبریز.  
خوشرویی هدیه ای ست، که کادو ندارد.

\* \* \* \* \*

## 66. فرگرد اندیشه

پیرامونیان ما چه بخواهیم و یا نخواهیم بر اندیشه های ما اثر خواهند گذاشت.  
وارونگی آدمیان و جانوران در پویایی اندیشه و دانش است ولی آدمی هر دم می تواند به رفتار و خوی بسیار  
بربرگونه دست یابد و دست به هر بزهی بزند که پلیدترین جانوران هم در بایسته ترین هنگامه از انجام آن می  
پرهیزند.  
همواره آدمیان دایره و چنبره بدی و پلیدی را با دانش و اندیشه برتر خویش بسته و بسته تر می سازند.  
خرد ابتدا به اندیشه پناه می برد.  
چهار چوب نگاه ما زمینی است، اما برآیند اندیشه ما جنبه آسمانی نیز پیدا می کند.  
با کسی گفتگو کن که رسیدن به خرد و آگاهی اندیشه اوست نه خویشتن خویش.  
اندیشه و انگاره بیمار، آینده را تیره و تار می بیند.  
تا اندیشه ایی پاسخگو در بین نباشد کجروی ادامه خواهد داشت.

\* \* \* \* \*

## 67. فرگرد سامان

سامان از پس ساختار درست هویدا می گردد.  
سامانه همه گیر هستی با آنکه یکنواخت پنداشته می شود ولی رو به پویش و پیشرفت است. گردش آرام هستی نباید ما  
را فریب دهد، ما بخشی از یک برنامه بزرگ و پیشخواسته در کیهان هستیم که پیشرفت را در نهاد خود دارد.  
مهمتر از امنیت بیرونی ما، امنیت درونی ماست. هیچ ارتشی نمی تواند نا امنی درون فرو ریخته مان را بهبود بخشد.  
تنها خود ما هستیم که می توانیم آن را سامان بخشیم.  
شورشهای آدمیان، با بسامدهای پر توان کیهانی خیلی زود به سامانه درست خویش باز می گردد.  
برآیند سامان یافتگی رفاه است پس : نخست باید به ساختار درست رسید سپس بر اساس آن ساماندهی کرد آنگاه رفاه  
همگانی بوجود می آید.





## 68. فرگرد باور

آدمهای فرهمند به نیرو و توان خویش باور دارند.

هم رنگ دیگر کسان شدن، باور هیچ کدام از بزرگان نبوده است.

پیام آوران باورهای پست بزرگترین پیروزیهای تاریخ مردم خویش را به ریشخند گرفته اند.

آدم خودباور، هیچ گاه برای رسیدن به مادیات، ارزشهای همگانی را زیر پا نمی گذارد.

مهم نیست که دیگران ما را باور کنند، مهم آن است که خود خویشتن خویش را باور کنیم.



## 69. فرگرد زیبایی

اندیشه و انگاره ای که نتواند آینده ای زیبا را مزده دهد ناتوان و بیمار است.

تن پوشی زیباتر از سرشت و گفتار نیکو سراغ ندارم.

زیبارویی که می داند زیبایی ماندنی نیست پرستیدنی ست.

آنکه زیبایی خرد را ندید، گرفتار زیبایی آدمیان شد و بدین گونه از هر چه داشت تهی گشت.

زمین هر روز هزاران هزار گل زیبا به ما ارزانی می دارد اما کمتر کسی زمین را می بیند.

زیباترین خوی زن، نجابت اوست.

زیبارویان، با ادب و منش نیکو، فرشته و پریزاد می گردند.



## 70. فرگرد دیگران

آدمهای فرهمند و خودباور بدنبال کف زدن دیگران نیستند آنها به شکوه و ارزش کار خود باور دارند.

مردانی که بیشتر از جایگاه و هنجار زنان پشتیبانی می کنند خود بیشتر از دیگران به نهاد زن می تازند.

آدمیانی که با دیگران روراست نیستند با خود نیز بدین گونه اند.

اگر دیگران را با زیباترین منشها و صفات بخوانیم چیزی از ارزش ما نمی کاهد بلکه او را دلگرم ساخته ایم آنگونه باشد که ما می گویم.

پشتیبانی از داشته دیگران، پشتیبانی از داشته خود ماست.

آدمها را آنگونه بخواهیم که هستند نه آنگونه که می خواهیم.

کسی که آدم بیش رویش را آنگونه که هست نمی بیند خیلی زود به مرز جدایی می رسد.

هر قدر به دیگران احترام بگذاریم، به ما احترام خواهند گذاشت.

آنکه مدام به کار دیگران سرک می کشد و کنجکاو است تا ببیند آنها چه می کنند مانند سایه ایی بر دیوار است که مدام بدنبال ما می دود بدون آنکه از خود اختیاری داشته باشد.

آنکه دیگران را ابزار پرش خویش می سازد، خیلی زود تنها خواهد ماند.

امیدوار مباش دیگران همراهیت کنند، تنها به درمان دردهای روزگار خویش بیندیش.

تنها با از خودگذشتگی برای دیگران می توان جاودانه شد.

نگارنده و سخنگویی که دیگران را کوچک و خوار می نامد، خود چیزی برای نمایش و بروز ندارد.

ناتوان ترین آدمیان، آنانی هستند که نیروی بدنی خویش را به رخ دیگران می کشند.

اگر می خواهی بزرگ شوی، از کردار نیک دیگران فراوان یاد کن.

کسی که فریفته نگاهی می گردد، توان نجات دیگران را ندارد.

امنیت دیگران بخشی از امنیت و رفاه ماست.

\* \* \* \* \*

## 71. فرگرد تجربه

تجربه ها درسهای خویش را به هزار رنگ و گونه پدیدار ساخته و یاور ما می گردند.

کاش گوش به تجربه ها بسپاریم آموختن تجربه ها مانع از رسیدن به خواری و زبونی است.

کسی که درد روشنگری و بازگویی تجربه را ندارد خود نیز زمانی برای بهره از آن را نخواهد یافت.

خودخواه، تجربه سخت تنهایی را در پیش رو دارد.

آزمودگی آدمها، از زر هم با ارزشتر است.

\* \* \* \* \*

## 72. فرگرد ارزیابی و نقد

ارزیابی و پژوهش ما بر کار دیگران دو درس در پی دارد : نخست اینکه با دانش او آشنا می شویم و دوم آنکه ما راه های تازه و درست را به او هدیه خواهیم نمود.

بزرگترین دام نقادان، خودستایی ست.

نقادی که در انتهای ارزیابی خویش، راه درست را نشان نمی دهد یاوه گویی بیش نیست.

نقد و ارزیابی بی کینه، پاداشی است که ارزش آن را باید دانست.

جایگاه ارزیابی و نقد شما بر کارکرد دیگران، می تواند آغازگاه نخستین گام شما برای سازندگی باشد.

برای جلوگیری از تباهی و بیراهه روی، راه اندیشه و ارزیابی را باز بگذاریم.



### 3. فرگرد کشور

گفتاری که موجب گسستن همبستگی کشور گردد، ریشه در سخیفی اندیشه گوینده آن دارد. کارمندان نابکار، از دزدان و آشوبگران بیشتر به کشور آسیب می رسانند. با احساس می شود پند و اندرز داد اما سامان دهی به کشور نیاز به هنجار و چهارچوبی توانمند دارد. سربازان تنها نگاهبان مردم امروز کشور خویش نیستند آنها دستاوردهای پیشینیان و سرمایه آیندگان را نیز پاس می دارند. سرفرازی کشور بزرگترین خواست همگانی است.



## 74. فرگرد بد اندیش

چه نشانی از بد اندیش بجاست ؟ هیچ.

بد اندیشان و بد کرداران خیلی زود در آتش افکار و کردار اشتباهشان خواهند سوخت.

روز های خوش برای کژاندیش بسیار کوتاه و روز کیفر بسیار دراز است.

بداندیش همیشه، کارش گره می خورد.

بداندیش نخستین و آخرین مردار کردار خویش است.

ارمغان گرنش در برابر نادان، سختی دو چندان است.



### 75. فرگرد نادان

چه بسیار آدمیان نادانی که مهربانی شایستگان را بر نمی تابند آنها در نهایت یا به بردگی تیزدندانان گرفتار آیند و یا چهره زشت تنهایی را آشکارا ببینند.

ره آورد گفتگو با نادان دو چیز است : نخست از دست دادن بخشی از عمر و دیگری گرفتار شدن، به افکار پوچ و بی ارزش.

نادانی، خودخواهی به بار می آورد.

نادان همیشه از آز و فزون خواهی خویش خسته است.

شمشیر نادان هایی که در برابر خردمندان می ایستند خودستایی و خودسری است.

سازش بر روی داشته های به یغما رفته امان، به نام آشتی جویی و دوستی از نادانی و کم خردی ست.

\* \* \* \* \*

## 76. فرگرد آرامش

آنانیکه همیشه در آرامش هستند لایبالی ترین آدمهایند.

آرامش اگر همیشگی باشد سستی و پلشتی در پی دارد.

جایی که شمشیر است آرامش نیست.

\* \* \* \* \*

## 77. فرگرد کار

کار ما برآیند خواست و برنامه ماست آنکه خواست و برنامه ایی ندارد کاری انجام نمی دهد.

آنانکه پژوهش کرده اند تنها کمی به داشته های درونی خویش و رازهای کیهانی آشنا شده اند و این رویکرد نمی تواند دستاویزی برای کوچک شمردن دیگر کسان گردد چرا که بسیاری به این رازها پی می برند بی کوچکترین بررسی و پژوهشی، آنها با کار و همچنین نگرش در نمایه های هستی به بسیاری از ناگفته ها پی می برند.

خوارترین کارفرما کسی است که با ندادن و یا کم کردن دستمزد زیر دست، فرمانروایی می کند.

فروستان، در بهترین هنگامه هم، بهانه های فراوان، برای انجام ندادن کار های خویش دارند.

\* \* \* \* \*

## 78. فرگرد تنهایی

تنها تنهایی کارآمد است که همراه باشد با پژوهیدن و کاویدن در خرد و دانش.

خویشتن و مردم را هنگامی می شناسی، که تنها شوی.

تنهایی برای جوان ارزشمند، و برای پیر آزار دهنده است.

\* \* \* \* \*

## 79. فرگرد راستی و ناراستی

پیش از آنکه ناراستی ها، در درون ما دره ایی مهیب پدید آورند به راستی ها باندیشیم.

ارزش گذاردن به خویشتن خویش نباید سدی در برابر زدودن ناراستی هایمان باشد.

رد راستی، رد خویشتن است.

آنکه راستی نپوید گرفتار آمیزش با اهریمن است، فرزند این آمیزش فتنه است و شورش.

تنها مبارزه با ناراستی ها به ما ارزش داده و هم زیستی با تباهی سرافکندگی به دنبال دارد.

ناراستی هایمان را بپذیریم چرا که بهانه آوردن، دو چندان آنها را سنگین می کند.

هیچ گاه از راستی و درستی خویش آزرده مباش چون همیشه در انتهای هر داستان تو برنده ایی.

آنکه برنامه ها را از پایان به آغاز، مورد ارزیابی قرار می دهد به راستی در حال سرپوش گذاری بر روی چیزی است.

آنگاه که نمی دانم چه می گویم، جز راستی چیزی بر زبانم جاری نیست.

برای نوشیدن شهد بهشت، هموار نگاهت به راستی باشد و درستی.

کژی و ناراستی، شکاف و رخنه گاه اندیشه اهریمن خواهد شد.

آنکه ناراستی پیشه نموده، خموشی دیگران هم برایش ترسناک است.

کسی که ترازوی راستی در وجودش همواره به یک سو سنگین است، نمی تواند از خشم دست بردارد چون خشم و زور تنها ابزار ناراستی برای ماندن است.

\* \* \* \* \*

## 80. فرگرد اندیشه همگانی

افکار عمومی جایگاه آدمها را مشخص می کنند نه بر تخت نشینان.

دیدگاه خوب مردم، بهترین پشتیبان برگزیدگان است.

خود را برای پیشرفت مردم ارزانی دار تا مردم پشتیبان تو باشند.

\* \* \* \* \*

## 81. فرگرد رسانه

وقتی ناگهان رخداد مهمی از درون دستگاه دیوان سالاری به رسانه ها کشیده می شود، نکته بسیار مهم تری از دید همگان پنهان می گردد.

رسانه تنها می تواند پژواک ندای مردم باشد نه اینکه به مردم بگوید شما چه بگویید که خوشایند ما باشد.

• رسانه می تواند:

1- رسانه می تواند در کوتاه مدت موجب شجاعت و یا ترس همگانی گردد.

2- رسانه می تواند نشان دهنده فر و یا بیچاره گی یک کشور در گستره جهانی باشد.

3- رسانه می تواند ذهن مردم را آرام و یا دگرگون و در هم بریزد.

4- رسانه می تواند گزارش های دروغ و رویدادهای غیر مستند را هم در میان اخبار درست به خورد آدمیان دهد.

5- رسانه می تواند با بستر سازی سیاه، موج های همگانی ایجاد نموده و برای کسانی، اسباب رشد یک شبه را فراهم سازد.



آنکه درست سخن نمی گوید داناترین هم که باشد همگان بی سوادش می پندارند.

همیشه آن که با شما هم آوا می شود و سخن شما را بازگو می کند نمی تواند هم اندیش شما نیز باشد.

منتقدین پر حرف بجای عملگرایان کم حرف هم سخن می گویند.

دیگران خیلی زود بازخورد رفتار ما را نشان می دهند. درستی و نادرستی کردارمان را در نگاه و سخن دیگران خواهیم یافت.

آنکه پیاپی سختتان را می برد، دلخوش به شنیدن سخن شما نیست.

اگر به سخنی که گفته اید با تمام وجود باور دارید، دیگر نیازی نیست برای گفتن آن پوزش بخواهید.

دل کیهان را اگر بگشاییم این سخن را خواهیم شنید “ هر کنشی واکنشی را در پی دارد “ پس بر این باور باشید ! همه کردار ما چه خوب و چه زشت، بی بازگشت نخواهد بود.

سخن بدون پشتوانه، یعنی گزاف گویی.

\* \* \* \* \*

## 84. فرگرد تلاش

پایداری و تلاش کلید هر در بسته ای است.

نوآوری نتیجه خواست و تلاش ماست نه رخدادهای ناگهانی.

سازگاری با زیستگاه و تلاش برای بهتر شدن جایگاه کنونی ویژگی ناب آدمهای پاک است.

آنکه برای بهروزی آدمیان تلاش می کند و راه درست را نشان می دهد بارها و بارها می زید و تا یاد و سخنش جاریست او زاده می شود و باز هم.

آن گاه که، زایش راهی نو را از درون خویش احساس کردی پای در راهی خواهی گذارد که پیشتر برای رسیدن بدان بسیار تلاش نموده ای.

\* \* \* \* \*

## 85. فرگرد فرهنگ

اهل بازار بر این باور اشتباهند که فرهنگ را هم می شود با زمان بندی دگرگون ساخت.

افزایش ناگهانی مردم سبب کاهش ادب، فرهنگ و فرهیختگی می گردد آنهم از آن رو که نسل و تبار پیش از آن نمی تواند بایستگیها و وظایف خویش را همچون آموزگار بدرستی انجام دهد.

فرهنگ های هم‌ریشه، انگیزه ای توانمند است که موجب همبستگی کشورها در آینده می گردد.

شالوده و زیربنای گسترش هر کشور، فرهنگ است.

اهل خرد و فرهنگ همیشه زنده اند.

\* \* \* \* \*

## 86. فرگرد اندیشه

اندیشه پروازگر است جایی فرودش آوریم که زیبایی خانه دارد.  
آدمی تنها زمانی دربند رویدادهای روزمره نخواهد شد که در اندیشه ایی فراتر از آنها در حال پرواز باشد.  
دیدگاه و اندیشه تاریک، میدان پرده پوشی (سانسور) هر روز بزرگتر می کند.

\* \* \* \* \*

## 87. فرگرد شکست

گاهی شالوده و ریشه شکست های بزرگ، از اشتباهات بسیار ریز و کوچک سرچشمه می گیرد.  
فرومايگان پس از پیروزی، همآورد شکست خورده خویش را به ریشخند می گیرند.

\* \* \* \* \*

## 88. فرگرد جهان

غروب جان آدمی، سپیده دمی ست به جهان دیگر.

زاد روز ما با تاری نادیدنی به هزاران زاد روز دیگر گره خورده است، مرگ هم زاد روزیست همانند زاده شدن که  
بدرودی است به جهانی دیگر...

جهان همواره در حال دگرگونی و رشد است نباید این پویندگی را زشت دانست، باید همراه بود و سهمی از این رشد را  
بر عهده داشت.

آب و هوا، بر جهان بینی و پیوندهای مردمی اثرگذار است.

با رفتگان به جهان دیگر نتوان همراه شد که این کوشش زندگی را بر باد می دهد.

\* \* \* \* \*

## 89. فرگرد اشک

آدمهای بزرگ و اندیشمند، بسیار اشک می ریزند.

میان اشک مرد و زن فاصله و بازه ای از آسمان تا زمین است.

یاد اشک و شیفتگی، آویزه خاموش دلهاست.

شراره های آتش دل تا به آسمانها کشیده می شود هر چند در پرگار نگاه چشم ننگند.

\* \* \* \* \*

## 90. فرگرد سفر

ره آورد سفر در درون آدمی، به جز خرد و پیشرفت نیست.



در کنارمان دلبر هست و اگر نیست، در سفر رسیدن به اویم. پس تنهای وجود ندارد.

\* \* \* \* \*

## 91. فرگرد پندار

واژه ها سرشار از پندارهاست ارزش آنها همپای زندگی است.

پندار و دیدمان بر روشنایی باشد و راستی، بدینگونه راه های آینده، روشن است و هموار.

آنکه می گوید همه چیز خوب است و بدی وجود ندارد با کسی که همه چیز را اهریمنی می پندارد تفاوتی ندارد. برآیند چنین افکار سخیفی به چاه نیستی گرفتار آمدن است تنها کسانی خوبی را خوب می بینند که بدی و اهریمن را باور داشته باشند و از آن پرهیز کنند.

آنکه برای وجود خویش ارزش نمی گذارد، شان و فر کسی را نگه نمی دارد.

بزرگترین نابکاری آن است که بپنداریم برای آنکه برترین باشیم باید دست به ویرانگری چهره دیگران بزنیم.

ریگهای ساحل خرد، نشیمنگاه پندارهای پاک و شبانه توست.

رویا پردازی که عملگرا هم باشد می تواند سرچشمه دگرگونی های بسیار گردد.

پندار های خواب و بیداری ما اگر ادامه یابند کم کم ساخته خواهند شد.

پندارهای پلید چاه های ژرفی ست که تشنه خردمندان است.

اگر پنداری توان پیش بردن ما را نداشته باشد همان به که زودتر رهایش کنیم.

\* \* \* \* \*

## 92. فرگرد استاد

شاگردانی که بدون نوآوری، همواره سخن استاد خویش را تکرار می کنند هیچگاه برای خود و استادشان فر و شکوهی به ارمغان نمی آورند.

ارزش استاد را دانستن هنر نیست، بلکه بایستگی و وظیفه است.

بهترین آموزگار استاد، شاگرد اوست.

دست استاد خویش را ببوس، چون او هم پدر است هم پرورنده خرد.

\* \* \* \* \*

## 93. فرگرد هنر

هنر خوراک روان و هنرمند آفریننده آن است. بارگاه هنر با هیچ جایگاهی درخور ارزیابی نیست.

اهل فرهنگ و هنر، سازندگان آینده اند.

در بلند هنگام هیچ نیرویی نمی تواند در برابر فرهنگ و هنر ایستادگی کند.  
شناور بودن خرد آدم در جهان احساس به او میدان بروز و رشد هنر را داده است.  
آهنگ دلپذیر، ریتم و آوای طبیعت است.  
هنرمند و نویسنده مزدور، از هر کشنده ای زیانبارتر است.  
هنرمندی که آرمانی بزرگ در سر ندارد جز پلشتی چیزی نمی آفریند.  
هنر زمانی ارزش می یابد که سخن ناتوان از گفتن آن است.  
هنری که نتواند ارزشهای میهنی و سرور همگانی را فراهم آورد زودگذر و فنا پذیر است.



## 94. فرگرد روان

سوار بر روان خویشتن خویش باشید، پادشاهی بر سپاهی بی گزند، اگر نگاهتان بر بوسه گاه زمین آسمان گره خورده باشد هیچ فراز و فرودی دلتان را نمی لرزاند.

ناراستی ها پیشاپیش رو به مرگ و نیستی اند مگر آنکه ما آنها را در اندیشه و روان خویش زنده نگاه داریم.

سرزمین روان ما بسیار بزرگتر و باشکوه تر از جهان پیرامون ماست. کسانی را بدان راه دهیم که سزاوار آن باشند.

روان دانایان فربه تر از دیگران است این نیرویست که دانش به آنها بخشیده است.

بدن ایستگاه روان نیست. بدن هدیه و ابزار روان است.

گاهی تنها راه درمان روانهای پریشان، رفتن به سراغ رخدادهای تازه است.

پرتگاه می تواند به وجدآورنده روان و یا کشنده جسم باشد.

برای ماندگاری، رویایی جز پاکی روان نداشته باش.

نیکی برآیند خرد است، در دل و روان آدمی.

هر چه بلند پروازتر باشید تپش دلتان کمتر خواهد شد. فشار و دردهای روانیتان نیز.

در خواب می توانی نیروی روان خویش را بنگری.

خودخواهی، کاشی سادگی روانت را، خواهد شکست.

برای آنکه روانت را پیروری، ابتدا با خود یکی شو.

روان مردگان و زندگان در یک ظرف در حال چرخش اند.

اگر شیفته کارت نباشی، روانت بیمار می شود و در نهایت پیکرت از پای در خواهد آمد.

روان خود را با خبرها و داده های نادرست به بند نکشیم.

\* \* \* \* \*

## 95. فرگرد ستیز

ستیزه جویان، کشته اندیشه های پلید خویش خواهند شد.

بسیاری از ستیز ها، برآیند دردها و گریه های دوران خردسالی ست.

برای نزدیکی و همگرایی خاندان خویش، باید دستگیر یکدیگر شویم.

مرد دلیر بهنگام ستیز و نبرد، همراهانش را نمی شمارد.

آنهایی که آمادگی برای پاسخگویی به تجاوز دشمن را با گفتن این سخن که : “ جنگ بد است و باید مهربان بود، درگیری کار بدیست” را رد می کنند، ساده لوحانی هستند که خیلی زود در تنور دشمن خواهند سوخت.

بدخو، عمرش کم است.

آنکه همسایه مرگ است از چیزی نمی هراسد.

\* \* \* \* \*

## 96. فرگرد آزادی

آزادی باجی به مردم نیست ! چرا که مال و داشته آنهاست.

کسی که آزادی می جوید زندانی برای اندیشه های دیگر نمی گسترده.

آزادی، عنوانی برای زینت کاخ دیوان سالاران نیست، آزادی کوچکترین حق مردم است که اگر نباشد هیچ دودمانی برجای نخواهد بود.

مهمترین گزینه برای ساختن یک فرمانروایی بزرگ، توانمندی و پیشرو بودن است و لازمه رسیدن به توانمندی همیاری مردم است و مردم هنگامی همراه می شوند که براستی آزاد و شاد باشند.

آزادی بدون داشتن رسانه های آزاد، شوخی خنده آور است.

برای دآوری (قضاوت)، باید آزاده بود.

\* \* \* \* \*

## 97. فرگرد همسر

جفتت اگر پرید برای پریدن عجله نکن.

همیشه بین خود و همسرت بازه ای را نگاهدار تا به خواری گرفتار نشوی.

گسستن دو همسر می تواند خاندانی را از هم بپاشد.

مردی که همسرش را به درستی بیرون می کند، به اشک به دنبالش خواهد دوید.

همسر خویش را از شهر و دیار خویش برگزینید، نبود ریشه های فرهنگی همسو، سختی به بار می آورد.

کسی که هنگام انتخاب همسر، یکه تازی می کند و سخن ریش سفیدان را به هیچ می گیرد بارها و بارها با اشک، رخس را خواهد شست.

سخت نمودن پیمان زناشویی به نام ارزش نهادن به سنت ها درست نیست.

دلدادگان را با افزونتر نمودن بار برگزاری جشن های آنچنانی زناشویی به بند نکشیم.

پیمانهای زناشویی، با جشن های بزرگ و ولخرجی های آنچنانی پایدارتر نمی گردد.

پیمان زناشویی آسان، ارزشمند است.

بدترین پیمان زناشویی آنست که نافش با بدهکاری زن و یا مرد بریده شود.

\* \* \* \* \*

## 98. فرگرد گذشت و بخشش

با گذشت، شما چیزی را از دست نمی دهید بلکه بدست می آورید.

بخشش میزان فر و شکوه آدمی را نشان می دهد.

راز اندوختن خرد، یکرنگی است و بخشش.

برای رسیدن به جایگاهی بالاتر، گذشت را نیز بیاموزیم.

\* \* \* \* \*

## 99. فرگرد خودبینی و غرور

اگر از خودخواهی کسی به تنگ آمده ای او را خوار مساز، بهترین راه آن است که چند روزی رهایش کنی.

خودبینی، خواستگاهش درون است و آدمی را شیفته خویش می سازد، وارون بر این خواستگاه افتادگی پیرامون ماست، که همگان را به سوی ما می کشاند.

آدم خودبین، چاره ای جز فرود آمدن، ندارد.

اگر غرورت را گم کرده ای به کوهستان رو، و اگر از جنگ خسته ای به دریا.

کسی که گذشت و بخشش در درونش نیست تنها نام آدم را بر خود دارد.

تا هنگامی که از برتری خویش سخن می گویی، دیده نمی شوی.

\* \* \* \* \*

## 100. فرگرد سرنوشت

زندگی و بخت در یکدیگر تنیده شده اند تا جایی که گاهی بر این باور می شویم : بخت ما در دست خود ماست.

کسی که عاشق خود و سرنوشت خویش نیست هیچ کاری از او بعید نیست.

اگر دست تقدیر و سرنوشت را فراموش کنیم پس از پیشرفت نیز افسرده و رنجور خواهیم شد.

در هر سرنوشتی، رازی مهم فرو نهفته است.

باور بدبختی از خود بدبختی درناکتر است.

بدبخت کسی است که نمی تواند ناراستی خویش را درست کند.

سرآمد این جهانی شما هر چه بزرگتر باشد سرنوشت زیباتری در برابر شماست.

اگر بر ساماندهی نیروهای خود توانا نباشیم، دیگران سرنوشتمان را می سازند.

\* \* \* \* \*

## 101. فرگرد شادی

رازها در هنگامه شادی و بازی آدمی است. نکته فراموش شده جهان اندیشه، تعریف درست این حالت هاست.

شادی و امید روان آدمی را می پرورد گر چه تن رنجور و زخمی باشد.

شادی و بهروزیمان را با ارزش بدانیم، تن رنجور نیرویی برای ادب و برخورد درست برجایی نمی گذارد.

زندگی، پیشکشی است برای شاد زیستن.

آنکه نگاه و سخنش لبریز از شادی ست در دوران سختی نیز ماهی های بزرگتری از آب می گیرد.

ابله ترین آدمیان آنانند که با مسخره نمودن شایسته گان شاد می گردند.

سنگینی یادهای سیاه را با تنهایی دو چندان می کنی.

به میان آدمیان رو و در شادمانی آنها سهیم شو.

لبخند آدمیان اندیشه های سیاه را کمرنگ و دلت را گرم خواهد نمود.

هنگامه شادمانه سرودن و بناختن، چه زود گذر و کوتاه است.

آنکه شادی را پاک می کند، روان آدمیان را به بند کشیده است.

رنگ های روشن به زندگی و شادی نزدیکترند.

آدمیان نیرومند در هنگامه آورد و پیکارهای سهمگین، شادی هدیه می دهند.

اگر پایکوبی و شادی نباشد، جهان را ارزش زیستن نیست.

چه بسیار اشکهایی که نوید شادی اند و چه فراوان خنده هایی که لبالب از غم و اندوه.

شادی کجاست ؟ جای که همه ارزشمند هستند.

\* \* \* \* \*

## 102. فرگرد غم

کاویدن در غم ها ما را به خوشبختی نمی رساند.

آنکه ترانه زاری کشت می کند، تباهیدن زندگی اش را برداشت می کند.

از مردم غمگین نمی توان امید بهروزی و پیشرفت کشور را داشت.

کار، بهترین تسکین دهنده، افکار پریشان، و غم است.

غمکش مردم، همای سرفرازی آنها خواهد شد.

جشن ها را می توان نرفت اما در سوگواری آشنایان باید همراه و غمخوار بود.

با بازگویی رخدادهای بد زندگی، خویش را نیازاریم.

از دیگران نخواهیم رخدادهای اندوهناک گذشته خویش را برایمان بازگویند.

با سفر، یاد رخدادهای هولناک را کمرنگ کنیم.

\* \* \* \* \*

### 103. فرگرد گزینش

سکوی پرش و گزینش بهتر، می تواند در هر گاه و جایی یافت شود. مهم آنست که تا آن زمان، پاکی و شادابی خویش را نگاه داریم.

گزینش می تواند درست و یا نادرست باشد، گزینش گری یک هنر است. بهره بردن از تجربه های دیگران می تواند به گزینش راه درست کمک کند.

گزینش امروز ما، برآیند اندیشه ها و راه بسیار درازيست که تا کنون از آن گذشته ایم. این گزینش می تواند سیمای نو، از ما به نمایش بگذارد.

کسی، رستاخیز و دگرگونی بزرگی را فراهم می آورد که پیشتر بارها و بارها با تصمیم گیری های بسیار، خود ساخته شده باشد.

\* \* \* \* \*

### 104. فرگرد آرزو

هر آرزویی بدون پژوهش و تلاش، به سرانجام نخواهد رسید.

اگر برای رسیدن به آرزوهای خویش زور گویی پیشه کنیم، پس از چندی کسانی را در برابرمان خواهیم دید که دیگر زورمان به آنها نمی رسد.

کسی که چند آرزوی درهم ورهم دارد به هیچ کدام از آنها نمی رسد مگر آنکه با ارزشترین آنها را انتخاب کند و آن را هدف نهایی خویش سازد.

آینده جوانان را از روی خواسته ها، و گفتار ساده اشان، می توان پی برد. نپنداریم که میزان دارایی و یا امکانات، دلیلی بر پیروزی و یا شکست آنهاست، مهم خواسته و آرزوی آنهاست.

به آرزوهایی خویش ایمان بیاورید و آنگونه نسبت به آنها باندیشید که گویی بزودی رخ می دهند.

توان آدمیان را، با آرزوهایشان می شود سنجید.

مردمی که نگاه ملی و آرزوهای خویش را به فراموشی سپرده اند، همچون بیماران آسیب پذیرند.

تنها کسانی از آرزوهای نیک جوانان واهمه دارند که بر جایگاه خویش بیمناکند.

آرزوهای جوانان را خوار و کوچک مپندارید که سرآغاز کوهستانی آسمان خراش و یا دره ایی گود و ناپیداست.

\* \* \* \* \*

## 105. فرگرد توانایی

آنکه به خرد توانا شد، ترس برایش نامفهوم است.

همواره تنهایی، توانایی به بار می آورد.

در هنگام توانایی اگر بستانکاری دیگران را ندهی، بویژه هنگامی که او درمانده باشد، فر و جایگاه خویش را برای همیشه از دست می دهی.

سپاسگذاری و ارج نهادن به دیگران، نشان بزرگی و توانایی ست.

اندیشه برتر در روزهای توفانی و آشوب و در همان حال خموشی و آرامش، توانایی برتر خویش را از دست نمی دهد.

پیش از آنکه با کسی پیمانی ببندید، دمی درباره توانایی خود در اجرای آن بیندیشید و سپس پاسخ گوید.

آنگاه که شب فرا رسید و همه پدیدگان فرو خفتند ابردریاها به پا می خیزند، آیا تو هم بر می خیزی ؟

آنکه نمی تواند از خواب خویش برای فراگیری دانش و آگاهی کم کند ارزش برتری و بزرگی ندارد.

رشد آدمیان تنها زمانی پایدار خواهد بود که بر اساس شایستگی ها باشد.

آنان که مدام دل نگران ناتوانان هستند هیچ گاه نمی توانند ناتوانی را نجات بخشند ! با اشک ریختن ما، آنها توانا نمی شوند باید توانا شد و آنگاه آستین همت بالا زد.

تواناترین آدمها، بیشتر زمانها خود را ناتوان می یابند.

\* \* \* \* \*

## 106. فرگرد صوفی گری

آدمیان ترسو و ناکارآمد خود را در دنیایی صوفیانه قهرمان می بینند.

سرزمینی که جوانانش دارای افکاری صوفیانه هستند، بزودی بردگی را نیز تجربه می کنند.

\* \* \* \* \*

## 107. فرگرد دوستی

آنکه همراه است و یاور، هر نفس اش بهایی بی انتها دارد.

تنها راه ماندگاری هر مراوده دوستانه ایی، رسیدن به ساختاری مشترک است.

\* \* \* \* \*

ی‌ن‌د و اندرز بسیار، همچون دشنام آزار دهنده است.



سخن مهر آمیز و دلگرم کننده می تواند از فانوس کوچک، ستاره بسازد.

\* \* \* \* \*

## 109. فرگرد اُرد

آغاز اُرد، پایان کسی نیست. آغاز ارد، بهار اندیشه یی ست که به آن وابسته است، آن را خزان و زمستان نیست، چون میوه باغی ست در کام اُرد های دیگر.

به آنهایی که میگویند اُرد، عشق نمی شناسد بگویند او هم عاشق شد، یک بار و برای همیشه، عاشق میهن پاکش ایران. آنگاه که ایران شکوه اساطیری خویش را باز یابد، آرزوهای اُرد به پایان می رسد.

با ارزشترین نشان اُرد، ایرانی بودن است.

\* \* \* \* \*

## 110. فرگرد پرسش

پرسشگری حس کودکانه ایی است که تا پایان زندگی باید همراهش داشت.

پرسش روشن شاگرد از پاسخ استاد ارزشمندتر است.

آنکه پرسشهای پراکنده در وادی های گوناگون را همزمان می پرسد، تنها می خواهد زمان و نیروی استاد را تباه کند.

\* \* \* \* \*

## 111. فرگرد خردمند

اهل خرد، پیشتاز روزگار خویش اند.

آدم خردمند، تار و پودهای اصلی زندگی را می یابد.

شب زندگی برای خردمند، همچون روز روشن است.

سخن های پست، آدمهای حقیر را جذب و خردمندان را فراری می دهد.

بازده خرد برای اهل اندیشه، کلام سکرآور است.

هر آنکه خردمندتر است اهریمن بیشتر به او حمله می کند. در میدان جنگ و آورد او هزاران فتنه و افسون کشته شده را خواهی دید.

دشمنی و پادورزی، به آدم خردمند انگیزه زندگی می دهد.

گفتگو با خردمندان و دانشوران، پاداشی کمیاب است.

رایزنی با خردمندان، پیروزی در پی دارد.

دانش امروز فر بسیاری در پی داشته، اما نیروی جاری سازی آرامش به روان ما را ندارد. امنیت را بزرگان خردمند به ما می بخشند.



## 112. فرگرد اینترنت

جهان آینده بدون اینترنت بی معناست.

ساده انگاریست اینترنت را با همه داده هایش یکجا رد کنیم و یا یکجا بپذیریم.

اینترنت همانند دریاست، کسی که آن را نمی شناسد همانند کسی ست که شنا را نمی داند.

ترس از اینترنت همانند نداشتن آن زیان آور است باید ناوشکن های بزرگ ساخت و بر فراز آنها پرچم کشور خویش را برافراشت.

بستن سایت های درنده چشم و هوش (مستهجن) از کارهای مهم دولت هاست.

برآیند نابود کردن پایگاه های آفرینشگر، همانند ساختن مرداب است. بازده اینکار برای آفریننده و برخورد کننده زیان آور است.

در اینترنت داده ها و اندیشه ها بسیار تند جابجا می شوند در برابر داده های ستیزگر باید میدان پاسخگویی را برای اندیشمندان آگاه هر کشور فراهم آورد و از چالش ها نهراسید.

کشورهای افزون خواه و بیمار همواره پیشتازان یورش از راه اینترنت هستند راهکار مبارزه با این تیره اندیشان تکیه بر ایده های و باورهای میهنی ست ایده هایی که مردم و بویژه جوانان بر آن ها ببالند، نمی توان از پاسخگویی گریخت و به دور خود دیوار کشید.

هیچ شمشیری همچون پرداختن بر اسطوره ها و سرآمدان نمی تواند دشمنان ریز و درشت کشورها را در جهان اینترنت ناکام گذارد.

اسطوره ها و سرآمدان ملی، گنجینه های با ارزشی هستند که باید آنها را زنده نگاه داشت اسطوره ها جایشان در موزه نیست، می بایست به سرآمدان درخششی ویژه بخشید و آنها را دوباره پروراند تا با اندیشه جوانان امروز گره بخورند و بدینگونه نیرنگ های دشمنان را ناکام گذارند.

نگاه دشمنانه به اینترنت، دست خبرچینان و نیرنگ بازان را باز می گذارد.

برای داشتن اینترنتی ایمن باید بر داشته های فرهنگی و میهنی خویش تکیه کرد آنها را گسترش داد و هنرمندانه ترین گونه آنها را بیان نمود، آزادی اندیشه را پاس داشت. خوراک اندیشه جوانان بدون همکاری آنها ساخته نمی شود، پس نیاز به همکاری دو سویه است.

کشوری از گردونه اینترنت بهره بیشتری می برد که میوه تمدن خویش را بیشتر و ساده تر در دامن کاربران بگذارد.

پیشه و هنر بدون اینترنت گران و بی خریدار است کشوری که زمینه داد و ستد های اینترنتی خویش را گرفته توان رشد و هموردی خویش را از دست می دهد.

اگر همکاری میهنی برای بالندگی و هم اندیشی در اینترنت وجود داشته باشد جام های زهرآگین، نوشنده ای نخواهند داشت.



## 113. فرگرد زندگی

آنچه رخ داده را باید پذیرفت اما آنچه را روی نداده، می توان به میل خویش بنا نمود.

بزرگترین گمشده های ما در زندگی، نزدیکترین ها به ما هستند !.

آنکه مدام از کمبودها و ناراستی های زندگی خویش سخن می گوید دوست خوبی برای تو نخواهد بود.

می گویند رسیدن به آرامش هدف است باید گفت آرامش تختگاه نوک کوه است آیا کوهنورد همیشه بر آن خواهد ماند ؟ بیشتر زمان زندگی او در کوهپایه و دامنه می گذرد به امید رسیدن به آرامشی اندک و دوباره نهیب دل و دلدادگی به فرازی دیگر.

بزرگترین اشتباه و چاله زندگی یک زیاده خواه، در آنست که پیش از کسب آمادگی لازم پشت میز مدیریت بنشیند.

جریان های آلوده به مرداب خواهند رسید سخن گفتن از آنها، زندگیمان را تباه می سازد.

نگاه ما به سختی های زندگی باید همانند نگاه به انبار پر از مهمات باشد. این انبار هر چه بزرگتر و افزونتر باشد نیرو و توان بیشتری خواهیم داشت.

جز ناامیدی و افسردگی هیچ بن بستى در زندگی آدمی نیست.

برای ربودن دل آدمیان باید بر هم پیشی بگیریم و این زیباترین آورد زندگی است.

اگر هدف زندگی هویدا باشد ده ها راه بن بست نیز نمی تواند ما را از پیش رفتن به سوی آن باز دارد.

آنکه فکر میکند با گذشتن از زندگی خویش میتواند همه را دلشاد دارد و مخالفی هم نداشته باشد، سخت در اشتباه است.

آنانی که در کنار ما زندگی می کنند اما کنشی ندارند و وارستگی را در پشت کردن به جهان می دانند گوشه نشینی می کنند و همه چیز را گذرا می دانند تکه گوشت های هستند که هنوز از جهان حیوانی خود به دنیای آدمیان پا نگذاشته اند. آنکه ما را به این جهان آورد فر و خرد را مایه رشد ما قرار داد، باید به آنان گفت خرد و دانش را انکار کردن با خوابیدن و مردن تمیزی ندارد.

پیران فریبکار، آتش زندگی جوانانند.

بدان همواره آنکه برای رسیدن به تو از همه چیزش میگذرد روزی تنهایت خواهد گذاشت، این هنجار دردناک زندگیست.

آنانیکه سامان و پویندگی در کیهان را دروغ می پندارند، همواره در اندیشه کین خواهی و حمله به جهان پیرامون خویش هستند. زندگی خود و نزدیکانشان را تباه می سازند و سرانجام در برآیندی بزرگتر از هستی ناپدید می شوند.

نتیجه گیری زود پس از رخداد های مهم زندگی از بی خردی است.

ساده باش، آهوی دشت زندگی، خیلی زود با نیرنگ می میرد.

اگر در بند زندگی روزمره تان شوید نمی توانید گامی بسوی بهروزی بردارد.

در دوی زندگی، همیشه همآورد را شانه به شانه ات بپندار و همیشه با خود بگو تنها یک گام پیشترم، تنها یک گام.

هیچ پیر جهان دیده ای منکر برآیند زهرآلود، دارایی حرام در زندگی آدمی نیست.



## 114. فرگرد ایران

ایران بهشت ماست، ایران تنها بهانه بودن است.

کجا دلبری زیباتر از ایران سراغ دارید؟ معشوقی که هزاران هزار پیکر عاشق در زیر پایش، تن به خاک کشیده اند.

در کاخ های ویران شده نامداران سرزمینمان ایران می توان هزاران هزار چشمه جاری دید، می توان فریادهای دادگستر آنها را شنید و تنهایی را از یاد برد.

رود مهر در این سرزمین جاریست... آزادی و آزادگی خواست همیشگی ایرانیان بوده است.

ایران سپیده دم، تاریخ است.

ایرانیان هرگاه پُشتکار داشته اند شگفتی ها آفریده اند.

نجابت برجسته ترین خوی ایرانیان است.

سرزمینمان ایران، دل و مرکز پهنه زمین است، ما نه شرقی هستیم و نه غربی، ما ایرانی هستیم فرزندان ایرج.

ایران، رویشگاه مهر، سرزمین حکمت و خرد.

فرهنگ و خویشاوندی اساطیری ایران و 20 کشور دیگر، بافت همگونی را پدید آورده است این سرزمین بزرگ را "قاره کهن" می نامم. در جهان امروز قاره آسیا وابسته به فرهنگ چین، اروپا از آن فرهنگ یونان و آفریقا از آن فرهنگ مصر می باشند. قاره کهن نیز از آن فرهنگ ایران است قاره کهن شامل کشورها و سرزمین های: ایران، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان، افغانستان، شمال باختری هندوستان (سرزمین کشمیر)، پاکستان، عراق، ترکیه، سوریه، لبنان، قبرس، نیمروزی ترین (جنوبی ترین) بخش روسیه در میانه استراخان در شمال دریای خزر تا نیمروز اکراین، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می باشد. قاره کهن با همگرایی هر چه بیشتر می تواند توانمندترین قاره جهان باشد.

\* \* \* \* \*

## 115. فرگرد نوروز

زیباترین جشن و بزم گیتی، نوروز باستانی ایرانیان است.

شادی را به یکدیگر هدیه دادن شیره نوروز باستانی ایرانیان است.

نوروز ایرانیان، فرخنده جشن زمین و آدمیان است و چه روزی زیباتر از این؟

توان بزم نوروز، فراتر از نگاه آدمیان است.

اگر بهار طبیعت را بیدار می کند، نوروز نیز آدمیان را دوباره بیدار و شاداب و امیدور می سازد.

باشکوه ترین روز هر سال جشن و بزم نوروز است که به تار و پود طبیعت و آدمیان آمیخته، آغاز بیداری، دگرگونی و زایش است، این جشن شکوهمند هدیه ارزشمند ایرانیان به جهان است.

نوروز معجزه ایرانیان است.

\* \* \* \* \*

## 116. فرگرد جشن

جشن های پیاپی میهنی نرم خویی و دوستی را در بین مردم زیاد می کند.  
جشن های بزرگ انگیزه افزایش باروری و پویایی آدمیان می گردد.  
جشن های بزرگ میهنی ریشه در خوی و سرشت آدمیان دارد.



### 117. فرگرد آزادگان

بندار های پاک در دل و روان از ادگان آشیانه دار د.

آزاده، انسان گوشه نشین و رها از غم آدمیان نیست. آزاده زندگی اش را، به هم میهنان خویش ارزانی داشته و برای سر فرازی میهن کوشش می کند.



### 118. فرگرد یرواز

اهل بازار، پرواز نمی کنند و پرنده هم نمی بینند.

برای آنکه پرواز کنی، پیکر خویش را به حال خود رها مکن.

آرزوهای خویش را ارزشمند بدان که نای پروازت به سوی آرمانهاست.

روان، همواره تشنه پرواز و بالا بردن خواسته های آدمی است، این همان ریشه بالندگی آدمی ست.

اگر پرواز را باور کنی، پروا بال خواهی گرفت.



### 119. فرگرد دانایی

پيامد دانايي، پذيرفتن بار ساماندهي ديگران است.  
اميدي به آينده دانايي كه چشم به دهان نادان ها دارد نمي رود.  
رهايي و آزادي، بر آيند بر ستش خرد است و دانايي.



## 120. فرگرد کارآفرینی و تولید

کار آفرین، زندگی آفرین است پس آفرینی جاودانه بر او.

کار آفرینی را، یک ارزش راستین بدانیم تا تهی دستی از میان رود.

کار آفرینان دستان نجات بخشی برای آدمیان هستند.

\* \* \* \* \*

## 121. فرگرد گروه

گروه، توان افزون آدمیان است.

ارزش نهادن به تنهایی ( برای خودسازی و اندیشه )، نمایانگر بی ارزشی کار گروهی نیست.

گروه بدون گرامیداشت همه یاورانش، توان ایستایی ندارد.

خبرچینان و بدگویان بزرگترین آفت های ماندگاری هر گروهی هستند.

گروه هدفمند دچار سردرگمی و از هم پاشیدگی نمی گردد.

کار گروهی بدون همراهی جوانان شوریده و کوشا به بی سرانجامی می انجامد.

برای ماندگاری یک گروه، باید دل داده و از خودگذشته بود.

گروهها و انجمن های مردمی، توان و نیروی یک سرزمین هستند که باید پاسشان داشت.

\* \* \* \* \*

## 122. فرگرد شناخت

اگر شناخت زن و مرد نسبت به ویژگی های درونی و بیرونی یکدیگر بیشتر گردد کمتر دچار گسست می شوند.

بسیاری از جنگها و آوردهای مردمی از روی نبود شناخت و آگاهی آنها نسبت به یکدیگر بوده است.

برای رسیدن به کامیابی نباید از شکست های پیشین خیلی ساده بگذرید، شناخت موشکافانه آنها، پیشرفت شما را در پی خواهد داشت.

شناخت ما از درون خویش آن اندازه هست که بتوانیم انتخابی درست در بدترین زمانها داشته باشیم باید به نتیجه گیری خود احترام بگذاریم.

دارایی ابزار است و ارزش نیست.

پایان

پایگاه آموزشی نگارستان

Alireza Foroughi

ar\_foroughi@yahoo.com